

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی-تخصصی

مرکز صلح دانشگاه البیرونی

وزارت تحصیلات عالی

دانشگاه البیرونی

مرکز صلح دانشگاه البیرونی

شناسنامه

ارمغان صلح: فصلنامه علمی-تخصصی

سال اول، شماره اول، بهار 1397

صاحب امتیاز: مرکز صلح پوهنتون البیرونی

زیر نظر کمیته هماهنگی صلح

مدیر مسول: پوهندوی رویدا احمدی

ویراستار: پوهنمل احمد جاہد مشتاق

اعضای کمیته هماهنگی مرکز صلح:

پوهنمل دوکتور ضیاالرحمن روئین

پوهندوی رویدا احمدی

پوهنمل احمد جاہد مشتاق

پوهنیار محمد وسیم آرین

پوهنیار نوید الله دانشیار

طرح جلد: صدیق الله حکیمی

ناشر: مرکز صلح پوهنتون البیرونی

شماره تماس: (+93) 747259098

نشانی برقی: jahed.mushtaq@gmail.com

نقش آموزش و ویژگی‌های فردی در راستای برقراری و تداوم صلح در جوامع انسانی

پوهنمل دکتور عبدالقهار سروری

دانشکده ژورنالیزم، دانشگاه البیرونی

چکیده

صلح یا آشتی یکی از مفاهیم و ارزش‌های اساسی زندگی انسانی می‌باشد و از جمله نیازها و الزامات بی‌بدیل برای دست یافتن به آرامش، آسایش و پیشرفت‌های معقول و متوازن در جوامع انسانی محسوب می‌شود. صلح در دین مقدس اسلام از جایگاه برجسته و ارزشمندی برخوردار است و تجارب زندگی انسانی نیز بر اهمیت و حد سازندگی صلح و آشتی در راستای شکل‌گیری جوامع ارزشمدار، پویا و مفید انسانی تاکید دارند. این مقاله‌ی فشرده نقش آموزش و ویژگی‌های فردی روی شکل‌گیری و تداوم صلح در جوامع انسانی را از دید قرآن و علوم معاصر مورد بررسی قرار داده است. بر مبنای دستورات قرآنی و بر اساس یافته‌ها و نظریه‌های پژوهشگران و صاحب‌نظران عرصه‌های صلح و سازندگی، صلح یکی از نیازهای اساسی برای برخوردار بودن از زندگی آرام، ارزشمند و با مفهوم انسانی محسوب می‌گردد. یعنی، در نبود صلح و در صورت عدم اعتنا به آشتی، یک‌دیگر پذیری و همزیستی مسالمت‌آمیز، امکان دست یافتن انسان‌ها و جوامع انسانی به آرامش، آسایش و ترقی وجود نخواهد داشت و در

صورت عدم پذیرش صلح و آشتی، فرصت‌ها و ظرفیت‌های زیادی در راه‌های بی‌مورد و برای در هم کوبیدن یک‌دیگر هزینه و مصرف می‌شوند. بر مبنای دستورات دینی و مفاهیم عصری زندگی انسانی، نحوه‌ی رفتار، طرز تلقی و ویژگی‌های فردی انسان‌ها می‌توانند روی شکل‌گیری و تحکیم و یا هم بر هم خوردن صلح تأثیرات جدی داشته باشند و کیفیت و حد کارایی صلح را شکل دهند. یعنی، از طریق آموزش مبتنی بر محتوای ارزنده و تزریق مفاهیم صلح‌جویانه در اذهان افراد متعلق به یک جامعه‌ی انسانی، امکان برقراری و گسترش پدیده‌ی ارزشمند صلح به حد اکثر آن افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: صلح؛ آشتی؛ ماهیت آموزشی؛ ویژگی‌های فردی؛ زندگی انسانی

مقدمه

صلح یا آشتی، که عبارت از سازش و تفاهم روی کنار گذاشتن نزاع‌ها و دعوی مبتنی بر مفاهیم و مسایل مادی و معنوی و درک و پذیرش حق و جایگاه یک‌دیگر بر مبنای دستورات دینی و مفاهیم و ارزش‌های انسانی می‌باشد، یکی از نیازها و الزامات اساسی برای دست یافتن به زندگی ارزشمند و مفید انسانی در سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی پنداشته می‌شود. در نبود صلح و سازش‌های با مفهوم انسانی، انسان‌ها مجبور می‌شوند تا وقت، امکانات و فرصت‌های دست‌داشته‌ی خود را برای تضعیف و طرد طرف‌های نزاع هزینه کنند، که بدون شک در همچو حالت زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری یک زندگی آرام، مرفه و مفید انسانی به سادگی میسر نخواهد بود. از اینرو، دست یافتن به صلح و زیستن در پرتو صلح، سازش و یک‌دیگرپذیری از جمله مکلفیت‌ها و الزامات زندگی انسانی قلمداد شده است.

خداوند (ج) در آیه 10 سوره الحجرات بر اهمیت صلح در زندگی انسانی تأکید نموده، تلاش برای ایجاد و تحکیم صلح و سازش در میان مومنان را از جمله مکلفیت‌های زندگی انسانی و موجب قرار گرفتن در سایه‌ی رحمت الهی قلمداد می‌کند. خداوند بزرگ می‌فرماید: *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ* *وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ* (الحجرات، 10). ترجمه: "در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید" (الحجرات، 10). در این آیه‌ی قرآنی، خداوند به بندگانش

دستور میدهد که مومنان برادر هم اند و در میان آنها صلح و آشتی را برپا دارید و تقوای الهی را پیشه کنید، تا مورد رحمت او (الله) قرار گیرید. بر مبنای تفسیر نمونه، مومنان به همان اندازه که برای ایجاد صلح در میان دو برادر نَسَبی تلاش می‌کنند، باید در میان مومنان متخاصم نیز برای برقراری صلح به‌طور قاطع و جدی وارد عمل شوند. یعنی، بر مبنای این تعبیر زیبای قرآنی، همه مومنان برادر هم اند و نزاع و درگیری در میان آنها نزاع و درگیری در میان برادران تلقی می‌شود، که باید به‌زودی جای خود را به صلح و صفا بدهند و این کار (تلاش برای ایجاد صلح در میان متخاصم) را خداوند یکی از مسوولیت‌های اجتماعی مسلمانان در برابر یک‌دیگر و در راستای تحقق عدالت اجتماعی در میان مسلمان میداند (مکارم‌شیرازی و دیگران، 1353). از این‌که اکثریت قاطع مردم افغانستان مسلمان اند و جنگ‌ها و نزاع‌های ویرانگر کنونی نیز در میان مسلمانان جریان دارند، بنا بر این بر مبنای حکم آیه‌ی بیان شده در فوق تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ‌ها و مخالفت‌های موجود در افغانستان مکلفیت تمام مسلمانان جهان، به‌ویژه مردم افغانستان است.

همچنان، خداوند در آیه 11 همین سوره روی تأثیرات طرز تلقی و نحوه‌ی رفتار انسان‌ها در راستای برقراری صلح و سازش در میان آنها و شکل‌گیری زندگی ارزشمند انسانی تأکید نموده و به انسان‌ها دستور میدهد تا از ریشخند کردن و مورد تمسخر قرار دادن یک‌دیگر اجتناب ورزیده و یک‌دیگر خود را با القاب زشت و بی‌مورد یاد نکنند. خداوند بزرگ می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا

قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (الحجرات، 11). ترجمه: "ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب های زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند" (الحجرات، 11).

در راستای نقش صلح در زندگی فردی و خانوادگی نیز خداوند بخاطر پایان بخشیدن به نزاع های خانوادگی در میان زن و شوهر، در آیه 128 سوره النساء، صلح را خیر و بهتر دانسته و زن و شوهر را به توسل جستن به صلح فرا خوانده است. خداوند در بخشی از آیه 128 سوره النساء میفرماید: والصلح خیر. ترجمه: "و صلح در هر حالت بهتر است". دستورات الهی و آیه های قرآنی همه بر حد ارزشمندی صلح و آشتی در زندگی انسانی تأکید دارند و تلاش برای برقراری صلح در میان انسان ها و توسل جستن به صلح را از جمله مکلفیت ها و الزامات زندگی انسان ها، به ویژه مسلمان ها میدانند. از سویی هم، قرآن کریم بگونه ای مشخص به انسانها دستور میدهد تا متوجه طرز تلقی و طرز رفتار خویش باشند و از حرکات و گفتار حساسیت بر انگیز و بر هم زنده یی روحیه ی صلح و آشتی در میان انسانها، مانند تمسخر، استفاده از القاب ناجایز و زشت و همچنان توسل جستن به تبعیض و تعصب خودداری نمایند.

از سویی هم، تجارب زندگی انسانی نشان دهنده‌ی آن اند که، انسان‌ها و جوامع انسانی که به صلح، تفاهم و یک‌دیگر پذیری ارزش قایل شده اند، از شرایط بهتر زندگی فردی و اجتماعی برخوردار اند و بر عکس جوامع که به تفاهم، سازش و یک‌دیگری‌پذیری ارزش قایل نشده و راه نزاع و تشنج را در پیش گرفته اند، همواره از آرامش و آسایش واقعی محروم اند و با صدها مشکل دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به گفته‌ی سروری (1395)، تماس، تفاهم و یک‌دیگر پذیری - که اساس صلح و سازش در میان انسانها را شکل می‌دهند - باعث می‌شوند تا رابطه‌های مفید فردی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در میان انسانها و جوامع انسانی شکل گیرند و انسانها و جوامع انسانی که بجای نزاع و برخورد با هم، راه تماس و تفاهم را در پیش گرفته اند، از زندگی بهتری برخوردار اند. سروری (1396) همچنان طرز تلقی و باورها و مهارت‌های فردی انسان‌ها را از جمله فکتورهای مهم تأثیرگذار روی برقراری رابطه‌ها و از بین بردن فاصله‌های بی‌مورد از میان انسان‌ها میدانند.

البته، باورها، طرز تلقی و طرز رفتار انسانها، به‌مثابه‌ی واحدهای مستقل جوامع انسانی، روی نزدیکی آنها با هم و یا هم دوری آنها از یک‌دیگر و برقراری صلح و یا هم به‌میان نزاع و بی‌اعتمادی‌ها در میان انسانها نقش اساسی دارند. باورها و طرز تلقی انسانها متعلق به ماهیت درونی آنها می‌شوند، که در چارچوب رفتار در ظاهر برای دیگران قابل مشاهده می‌شوند و برخوردار بودن از ساختار منسجم درونی و برخوردار بودن از طرز تلقی و محتویات مثبت و مفید، انسان‌ها را کمک

می‌کنند که در رفتار، عملکرد و زندگی روزمره‌ی خود از جایگاه بهتری برخوردار باشند و این ویژگی ارزشمند انسانی بیشتر به حد انسجام قلب و موجودیت رابطه‌ی منسجم و مداوم میان مغز و قلب، یعنی میان عقل و منطق و احساس و عاطفه مرتبط اند (سروری و نوبلی، 2018؛ مک کربیتی و شیفر، 2015).

در پهلوی این همه، بعضی از دانشمندان، پژوهشگران و نهادهای پژوهشی و پالیسی‌ساز به این عقیده اند که نحوه‌ی آموزش دهی، تحلیل و ارزیابی عوامل و دلایل بروز و گسترش نزاع‌ها و کشمکش‌ها در میان انسان‌ها و برجسته‌سازی نقش آموزش و ظرفیت‌سازی، در راستای کاهش و مدیریت نزاع‌ها در میان انسان‌ها بگونه‌ی جدی تأثیرگذار اند (داویس، 2010؛ کوالی، 2014؛ سمیت، 2010؛ OECD-DAC, 2007). با در نظرداشت مفاهیم و مسایل یاد شده و بر مبنای دستورات قرآنی و حد ارزش دهی دانشمندان و پژوهشگران به ماهیت و حد تأثیرگذاری صلح و سازش روی زندگی انسانی، این مقاله مروری فشرده (Short Review Paper) نقش آموزش و ویژگی‌های فردی روی تحکیم و گسترش صلح و آشتی در جوامع انسانی را به بررسی گرفته است.

روش تحقیق

برای طرح و تهیه‌ی این مقاله‌ی مروری فشرده، از روش مرور ادبیات اکادمیک (Literature Review) و تحلیل و ارزیابی محتوایی (Content

(Analyses) استفاده شده است و در پهلوی مرور بعضی از آثار منتشر شده از سوی دانشمندان و پژوهشگران عرصه‌های مرتبطه با مسایل و مفاهیم صلح، آشتی و یک‌دیگرپذیری، از دستورات و آیات قرآنی به‌حیث مهمترین منبع و پشتیبانه‌ی دینی-مفهومی استفاده شده است. این پژوهش / مقاله اشتراک‌کننده‌ی مستقیم ندارد و یافته‌ها و مباحث آن بر مبنای آیات قرآنی و یافته‌ها و نظریه‌های بعضی از دانشمندان، پژوهشگران و نهادهای پژوهشی و پالیسی‌ساز شکل گرفته‌اند.

یافته‌ها و مباحثه

یافته‌ها و مفاهیم نقل شده در این مقاله بر حد ارزشمندی صلح و آشتی روی شکل‌گیری زندگی آرام، مرفه و ارزشمند انسانی و همچنان روی تأثیرات جدی و مستقیم باورها و ویژگی‌های فردی، طرز تلقی و رفتار افراد و ماهیت و محتوای آموزش روی برقراری و گسترش صلح و آشتی در میان انسان‌ها و جوامع انسانی تأکید دارند. یافته‌ها و نظریات نقل شده در این مقاله‌ی مروری فشرده تأکید بر آن دارند که انسان‌ها باید به جایگاه یک‌دیگر ارزش قایل شده و در راستای درک و پذیرش یک‌دیگر تلاش نمایند و از رفتار و حرکات حساسیت‌برانگیز و مبتنی بر تعصب و تبعیض خوددای کنند. آیات نقل شده از قرآن‌کریم ضمن پرداختن به حد ارزشمندی صلح و آشتی در زندگی انسانی و دستوردهی برای انسان‌ها بخاطر توسل جستن به صلح و سازش و برقراری صلح در میان انسان‌ها، به مومنان دستور میدهند تا از توهین و تحقیر یک‌دیگر و استفاده از القاب زشت و بی‌مورد در مقابل یک‌دیگر خودداری نمایند. همچنان، قرآن‌کریم صلح را خیر دانسته و

برای حل نزاع‌ها و تشنجات میان فردی در میان زن و شوهر، که اساس خانواده را شکل می‌دهند، روی توسل جستن به صلح و سازش تأکید دارد (الحجرات، 10-11؛ النساء، 128).

از سویی هم، نظریات و یافته‌های نقل شده از دانشمندان و پژوهشگران تأکید بر آن دارند که مهمترین مرحله و قدم برقراری صلح و آرامش در جوامع انسانی، صلح در وجود انسان و ایجاد مفاهیم صلح خواهانه و باورهای مبتنی بر صلح و یک‌دیگرپذیری در اذهان و افکار انسان‌های متعلق به جوامع متفاوت انسانی میباشد (سروری و نویلی، 2018؛ مک کرتی و شیفر، 2015). یعنی، اول باید انسان از ماهیت و محتوای ارزشمند درونی و همچنان انسجام و آرامش درونی برخوردار گردیده و با ذهن آرام و ظرفیت سازنده در میان انسان‌ها حضور داشته باشد و زندگی نماید. از سویی هم، یافته‌ها و نظریات نقل شده در این مقاله بر نقش مهم و ارزشمند نحوه‌ی آموزش دهی و ظرفیت سازی انسانها در راستای برقراری صلح، آشتی و یک‌دیگرپذیری در میان آنها تأکید دارند (داویس، 2010؛ کوالی، 2014؛ سمیت، 2010). یعنی، بدون گسترش آگاهی، روشن سازی اذهان در مقابل حد ارزشمندی و سازندگی صلح و حد ویرانگری نزاع و برخورد در میان انسان‌ها و بدون ظرفیت‌سازی و همگانی سازی روحیه‌ی تحمل و یک‌دیگرپذیری در میان انسان‌ها، امکان دست یافتن به صلح و سازش صرف از طریق ابزارهای مادی و ظاهری زیاد معقول و دست یافتنی به نظر نمیرسد. بنا بر این، باید تلاش شود تا انسان‌ها حد ارزشمندی صلح و یک‌دیگرپذیری را بخوبی

بدانند و مفاهیم و ارزش‌های صلح و صلح‌خواهانه در اذهان و افکار انسان‌ها، به‌ویژه جوانان تزریق شوند تا به‌مثابه‌ی یک نیروی مثبت درونی، انسان‌ها را در راستای صلح‌خواهی و دست یافتن به صلح رهنمایی و کمک نمایند.

نتیجه‌گیری

این مقاله‌ی فشرده، بر مبنای مفاهیم و دستورات قرآنی و از طریق مرور ادبیات اکادمیک، نقش نحوه‌ی آموزش و ویژگی‌های فردی انسان‌ها در راستای برقراری و گسترش صلح و آشتی در جوامع انسانی را مورد بررسی قرار داده است. بر مبنای دستورات قرآنی و یافته‌ها و نظریات نقل شده در این مقاله، صلح یک ارزش مهم و یکی از نیازها و الزامات اساسی زندگی انسانی محسوب می‌شود و برای دست یافتن به آن لازم است تا روی طرز تلقی و نحوه‌ی رفتار افراد و همچنان روی نحوه‌ی آموزش دهی و ظرفیت‌سازی در میان انسان‌ها تمرکز صورت گیرد. بر مبنای یافته‌های این مقاله، ذهنیت و طرز تلقی منفی و مضر، رفتار نا درست، توهین و تحقیر دیگران و توسل جستن به تبعیض و تعصب امکان برقراری صلح و آشتی را کاهش بخشیده و زمینه‌های به‌میان آمدن نزاع و تشنجات در میان انسان‌ها را افزایش می‌بخشند؛ بر عکس، باورها و طرز تلقی مثبت و مفید، رفتار نیک و روحیه‌ی یک‌دیگر پذیری زمینه‌های برقراری و تحکیم صلح و آشتی در میان انسان‌ها را بیشتر ساخته و عوامل به‌میان آمدن نزاع‌ها و تشنجات احتمالی در میان انسان‌ها را کاهش می‌بخشند. همچنان، یافته‌ها و نظریات نقل شده در این پژوهش بر حد تأثیرگذاری آموزش سالم و مبتنی بر مفاهیم ارزشمند و

نقش آموزش و ویژگی های فردی / 11

صلح محور روی برقراری صلح و آشتی در جوامع انسانی تأکید دارند و برقراری صلح و آرامش در وجود و درون انسان را اساس برقراری صلح در جوامع انسانی قلمداد می کنند.

منابع

الحجرات، 10-11. قرآنکریم.

النساء، 128. قرآنکریم.

سروری، عبدالقهار. (1395). ارتباطات انسانی. نشر پرند: کابل، افغانستان.

سروری، عبدالقهار. (1396). مهارت‌های نرم، سرمایه انسانی و توسعه انسانی.

انتشارات حامد رسالت: کابل، افغانستان.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (1353). تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه:

تهران، ایران.

Davies, L. (2010). Education and Fragility. A Synthesis of Four Country Case Studies (Afghanistan, Bosnia and Herzegovina, Cambodia and Liberia), International Network for Education in Emergencies (INEE).

OECD-DAC. (2007). Principles for good international engagement in fragile states & situations. http://www.oecd.org/document/12/0,3343,en_2649_33693550_42113676_1_1_1_1,00.html

Kuwali, D. (2014). Just peace: achieving peace, justice, and development in post-conflict Africa. *Centre for Human Rights, University of Pretoria, South Africa; 1-40*

McCraty, R. & Shaffer, F. (2015). Heart Rate Variability: New Perspectives on Physiological Mechanisms, Assessment of Self-regulatory Capacity, and Health Risk. *Global Adv Health Med*, 4(1); 46-61.

Sarwari, A. Q. and Nubli, A. W (2018). The Relationship between Zikr (Remembrance of Allah), Heart Coherence and Intrapersonal Communication among Muslim Postgraduate Students from Different Countries. *Journal of Language & Communication (UPM-publication)*, 5 (1), 110- 124. ISSN: 2289-649X.

Smith, A. (2010). The influence of education on conflict and peace building: Education for All Global Monitoring Report 2011. UNESCO; 1-28.

موقف اسلام در رابطه به صلح

پوهیالی مرضیه مبارز

دانشکده شرعیات، دانشگاه البیرونی

چکیده

مسئله صلح در اسلام مسئله اصیل و ریشه داریست که ارتباط و پیوند ناگسستنی و محکمی در باره جهان، زنده گی و انسان دارد و اسلام دین همبستگی وحدت و یکپارچه گی درین جهان عظیم و پهناور است که وحدت را در بین تمام جزئیات عالم از اتم گرفته تا بالاترین مراحل زنده گی در نظر گرفته است. واژه صلح عبارت از برداشتن و برطرف کردن نزاع، خصومت و یا جنگ براساس یک توافق و پیمان میباشد. چون صلح اصل ضرورت اجتماعی و انسانی بوده بناءً درین تحقیق موقف و جایگاه دین مقدس اسلام را در مورد صلح بیان کردم. روش این تحقیق کتابخانه ای و پژوهشی بوده و همه آن در روشنائی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی (صلی الله علیه وسلم) تبیین یافته و حاصله این پژوهش اینست که اسلام عزیز صلح را در جامعه انسانی از وجایب امت میدانند و آوردن صلح در بین مسلمانان واجب است. چرا صلح یک امر مشروع و در عین حال مهم

و ضروری برای بشر است. زیرا تمام داشته های یک جامعه متعلق بر صلح و ثبات آن جامعه بوده که صلح باعث رفاه آسایش و سعادت مندی فرد و اجتماع میشود

واژه های کلیدی: اسلام، صلح یا مصالحه، منازعه، اختلاف، مباحثه.

مقدمه

الحمد لله الذي نزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجاً ﴿١﴾ والصلاة والسلام على محمد المبعوث كافة للناس بشيراً ونذيراً:

همه میدانند که صلح یکی از نیازمندی های مبرم جامعه انسانی خصوصاً جامعه افغانی است.

روی همین مصلحت تلاش های زیادی در رابطه با آوردن صلح صورت گرفته که بعضی از نتایج آن مثبت و بعضی آن متاسفانه منفی یا بدون نتیجه مانده است. به هر صورت تلخی ها و بدبختی های که از عدم صلح بوجود آمده متاسفانه به مشام همه ما رسیده و همه غافل از اینکه اسلام عزیز در رابطه با صلح چه دیدگاهی دارد همه فراموش کرده اند و یا اینکه از اثر بی توجهی به قرآن و سنت راه اصلی را رها کرده و همه بطرف فرع و خواهشات نفسانی رفته اند، بناءً روی همین نیازمندی جامعه بود که خواستم تحقیقی روی موقف اسلام در رابطه با صلح داشته باشم و اینکه اسلام در رابطه با صلح چه اقداماتی را مد نظر گرفته است؟ و از کدام گزینه ها راه های رسیدن به صلح را پیشنهاد میکند؟ و صلح در دین مقدس اسلام از کدام جایگاهی برخوردار است؟ این سوالات را در روشنایی آیات قرآن و احادیث نبوی (صلی الله علیه وسلم) پاسخ خواهیم داد.

فرضیه تحقیق

۱- آیا ارشادات دین مقدس اسلام در رابطه با صلح در مغایرت قرار دارد یا خیر؟

- ۲- چگونه دین مقدس اسلام در رابطه با صلح مبارزه کرده و آیا راه حل ای برای آن گشوده است یاخیر؟

سوالات تحقیق

الف: سوالات اصلی

۱- موقف، جایگاه و دیدگاه دین مقدس اسلام در مورد صلح چه میباشد؟

۲- کدام اقدامات و تدابیری را اسلام در رابطه با صلح اتخاذ نموده است؟

ب: سوالات فرعی:

۱- آیا قرآن کریم در رابطه با صلح دیدگاهی دارد یاخیر؟

۲- عمل کرد پیامبر اکرم (ص) در آوردن صلح در بین مسلمانان چگونه بود و از کدام شیوه ها استفاده کرده است؟

۳- آیا صلح زمینه ای برای نشروپخش دین مقدس اسلام شده و یاخیر؟

موقف اسلام در رابطه با صلح

صلح کلمه عربی بوده و در قرآن کریم به یازده معنی آمده است که هر کدام آن کار بردهای متفاوت دارند، که معانی مذکور را بطور خلاصه بیان میکنیم:

1. به معنای آتش بس و خود داری از جنگ.

2. به معنای اتحاد و اتفاق.

3. به معنای آشتی.
4. به معنی آسایش و نعمت.
5. به معنی خوبی و خیر اندیشی و انجام عمل شایسته.
6. به معنی نفع و فایده.
7. به معنی بسیار بودن و کثرت چیزی.
8. به معنی ترمیم و رفع کاستیهایی که در کسی وجود داشته و آنرا رفع و از خود دور ساخته خودش را اصلاح واکمال مینماید.
9. به معنی استعداد و کفایت.
10. به معنی حسن و خوبی.
11. به معنی لیاقت و مناسبت داشتن. (فرهنگ قرآنی راغب، مترجم راغب اصفهانی)

معنی اصطلاحی صلح: در مورد معنی اصطلاحی صلح فقهاء اقوال مختلف دارند، این اختلافات بخاطر است که صلح مصادیق و موارد مختلفی دارد، مانند صلح در معاملات، صلح میان زن و شوهر، صلح میان اطراف درگیر جنگ و سایر حالات. در این جا یکی از تعاریفی را ذکر میکنم که تمام انواع صلح را در برمیگیرد:

صلح در اصطلاح: هو رفع الحرب والمخاصمات علی شروط تعرف بشروط الصلح، أو هو عقد یرفع النزاع.

«صلح در اصطلاح به معنی متارکه، آتش بس، از میان بردن دعوی، ختم اختلافات، و منازعات در بین دو جهت درگیر، آن هم در روشنائی همان شروطی که بنام شروط صلح یاد می‌شود. یا به عبارت دیگر: صلح بر موافقت نامه‌ی مصداق دارد که به جنگ و منازعه خاتمه می‌بخشد. تفاوتی ندارد که منازعه لفظی (جنگ سرد) یا برخورد مسلحانه (جنگ گرم) باشد. فقه سیاسی، دکتر یوسف قرضاوی { اصل در روابط انسانها صلح است، اما همان طوریکه الله متعال با اسرار خویش انسان‌ها را از لحاظ شکل و صورت با هم مختلف خلق کرده از نگاه نظر و مفکوره هم با همدیگر متفاوت اند. روی همین اصل است که دیدگاه‌ها و نظریه‌ها یکسان نمی‌باشد و از سوی دیگر این انسان با غرایضی که در فطرت او نهفته است هیچ‌گاهی مقنع با داشته‌هایش نبوده و همواره حرص جاه‌طلبی در طینت او شعله‌ور است، روی همین اساس است که گاه‌گاهی روی مسایل مختلف با همدیگر اختلاف نظر می‌کنند و هر کدام بخاطر حقانیت دیدگاه خود دلایل گوناگونی عرضه می‌دارند. در صورت عدم قبول دیدگاه همدیگر منازعه و جار و جنجال‌ها بروز می‌کند. چون دین مقدس اسلام یگانه دینی است که مطابق با فطرت و سرشت انسان‌ها است، با ارشادات و دستاورد ارزنده خویش احکام و مسایل گوناگونی را در از بین بردن اختلافات و منازعات ذات‌البینی جامعه دارد که درین تحقیق بصورت فشرده ای می‌خواهم روی آن بحث نمایم.

اسلام با دیدگاه ها و نظریه های که مخالف ارزش های انسانی و اسلامی نباشد مخالف نیست، روی همین اساس است که اختلاف را در بین امت اسلامی به دو بخش تقسیم میکند.

الف: اختلاف جائز و مشروع: مانند اختلاف در قضایای علمی و فقهی و در آن چیزیکه منجر به نتایج مثبت و مفید گردد. نباید این گونه اختلاف نظر منجر به نزاع و دشمنی گردد.

ب: اختلاف نامشروع و مذموم: اختلافی است که منجر به نزاع، خصومت و دشمنی گردد، در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که از این گونه اختلاف به صراحت مسلمانان را منع کرده است.

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳).

ترجمه: به ریسمان الهی (قرآن) چنگ بزنید و از تفرقه جوئی اجتناب ورزید.

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ (سوره انفال آیه ۴۶).

ترجمه: فرمانبرداری خداوند و فرستاده اش را نمائید و منازعه و دشمنی نکنید که شکست میخورید و قوت تان از بین میرود.

اما در رابطه به اینکه اسلام عزیز برای پیروان حقیقی خود، برای از بین بردن اختلافات، منازعات و آوردن صلح جهت ثبات جامعه انسانی چه اقدامات و

دستورات لازم را مد نظر گرفته سوالی است که پاسخ آنرا درین بحث ارائه خواهیم کرد.

در شریعت اسلامی همه انواع صلح و رفع اختلافات ذات البینی جهت رعایت حدود شرعی امر حتمی است که بیرون از محدوده شریعت صلح عبث و بیهوده بوده معنی و مفهومی ندارد. زیرا رسول اکرم (ص) چنین صلحی را تحریم نموده است.

عَنْ عَمْرِو بْنِ عَوْفِ الْمُزْنِيِّ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: "؟الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ، إِلَّا صُلْحًا حَرَّمَ حَلَالًا، أَوْ أَحَلَ حَرَامًا، وَالْمُسْلِمُونَ عَلَى شُرُوطِهِمْ، إِلَّا شَرْطًا حَرَّمَ حَلَالًا، أَوْ أَحَلَ حَرَامًا؟" رَوَاهُ أَهْلُ السُّنَنِ إِلَّا النَّسَائِيَّ.

از عمرو بن عوف (رضی الله عنه) روایت شده که به تحقیق رسول اکرم (ص) فرمودند: میان مسلمانان صلح و آشتی جواز دارد اما صلحی که چیزهای حلال را حرام و یا حرام را حلال بگرداند جواز ندارد. حدیث فوق اشاره به صلح میان مسلمانان و کافران است. بطور مثال: اگر کفار در وقت امضای معاهده شرطی بگذارند با احکام و قوانین اسلامی در مغایرت قرار داشته باشد مثلاً: خوردن ربوای نوشیدن شراب در بین جامعه مسلمین، درین صورت شریعت اسلامی برای مسلمانان جواز نداده که روی چنین شرایطی موافقه نمایند. مسلمانان باید پابند همان شروط صلح و آشتی باشند که رعایت و احترام آن بر آنها لازم می افتد که در زمان امضای معاهده صلح بران موافقه شده است.

امام ابوحنیفه، امام احمد بن حنبل و جمهور فقهاء (رحمهم الله) در مورد شرح این حدیث گفته اند که: "انواع صلح جواز دارد مگر آن صلحی که بانصوص شرعی مخالف باشد".

فقهای کرام صلح را به طور عام به شش نوع تقسیم نموده اند که عبارت اند از:

1. صلح میان مسلمانان و کافران؛
2. صلح میان زن و شوهر؛
3. صلح در وصیت؛
4. صلح میان دو آزرده خاطر؛
5. صلح ذات البینی بخاطر وجود زخم ها و جراحاتی که بر وارد کننده جرح دیت همان عضو مجروح لازم میگردد؛
6. صلح میان دو سهم دار و یا صلح میان چند نفر که در املاک با یکدیگر شریک باشند دعوی مربوط راه عام باشد. (نظام سیاسی اسلام، ۹۶)

در رابطه با ضرورت و اهمیت صلح باید گفت که نصوص دینی صلح را در هر سطح، قوت مطرح و پیروان خود را بسوی آن دعوت مینماید. در دین مقدس اسلام کلمه صلح بحدی دارای اهمیت بوده که آنرا برای کوچکترین نهاد جامعه انسانی که خانواده میباشد ضروری شمرده و برای صلح بین زن و شوهر میکانیزم عجیبی را پیشکش میکند.

قرآن با بوجود آمدن منازعه در بین زن و شوهر چنین هدایت میدهد. ﴿وَإِنْ
 امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا
 وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ
 خَبِيرًا﴾ (النساء: 128)

ترجمه: اگر زنی از شوهرش بیم ناسازگاری یا روی گردانی داشته باشد باکی و
 گناهی آنها نیست که میان خود به گونه آشتی سازش کنند و صلح بهتر است.

حتی اگر زن و شوهر در آوردن صلح میان شان موفق نگردند و در میان آنها
 خوف ایجاد نفاق و شقاق پیدا شود باز الله متعال به تعیین حکم (میانجی) از هر دو
 خانواده (زن و شوهر) فیصله می‌کند. الله می‌فرماید: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا
 فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنْ اللَّهُ
 كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا﴾ (النساء: 35) ترجمه: اگر از ناسازگاری میان آن دو زن و شوهر
 بیم دارید داورانی از خویشان مرد و داورانی از خویشان زن تعیین کنید، اگر داوران
 خواستند اصلاح کنند خداوند در بین آن دو سازگاری برقرار خواهد کرد همانا
 خداوند (ج) دانا و آگاه است.

از این مسئله واضح میگردد که منازعه میان دو تن در نزد الله به این حد مهم
 است که برای بین بردن آن میکانیزم مرتبی را هدایت میدهد که در مرحله اول
 آن دو جانب منازعه برای آوردن صلح موظف میسازد. زمانیکه آنها قادر بر تثبیت
 آن نمیگردند باز برای دیگران حکم میکند تا فرض خویش را برای آوردن صلح
 درین نهاد کوچک اجتماعی ولی بسیار مهم اداء نمایند.

هم چنان سیرت و زنده گی رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) از اتفاقات صلح و آوردن صلح مملو است. که از نمونه های بزرگ آن پایان دادن جنگ و منازعه چند صد ساله میان قبایل اوس و خزرج، میثاق مدینه، صلح حدیبیه با مشرکین که الله آنرا فتح مبین خوانده است و انواع میثاق ها با قبیله های مختلف یهود و نصاری می باشد. که صلح حدیبیه در روز دوشنبه اول ذوی القعدة سال ششم هجری پیامبر (ص) با هزار چهارصد هزارتن از مسلمان ها به شمول خانم پیامبر ام سلمه (رض) بخاطر انجام مناسک عمره بطرف مکه مکرمه روان شدند، هنگامیکه قریش از آمدن رسول اکرم (ص) در مکه خیر شدند در رو بروی ان صف کشیدن تا مانع آمدن پیامبر در مکه شوند رسول الله (ص) عثمان بن عفان را در مکه نزد قریش فرستاد تا موضوع را برای قریش بیان کند که پیامبر برای جنگ نیامده بلکه به انجام عمره آمده است. بلاخره قریش شخصی را بنام سهیل بن عمرو را نزد پیامبر فرستاد تا پیمانی را با پیامبر منعقد سازد که به اساس آن هر دو گروه در امان بمانند که روی اصول ذیل می باشد

- ۱- پیامبر (ص) امسال وارد مکه نمیشود و باز میگردد سال آینده با شمشیر در نیام وارد مکه میشود و سه روز در مکه اقامت میکند بدون آنکه با تجاوزی رو برو شود.
- ۲- تاده سال میان طرفین جنگی نخواهد بود مردم امنیت داشته یا یکدیگر تجاوز نخواهند کرد.

۳- هر که بخواهد میتواند باعهد و پیمان محمد وارد شود و هر که بخواهد میتواند باقریش هم پیمان شود و قبیله که بیکی از دو گروه بیبوند، جز همان قبیله محسوب میگردد.

۴- هر فرد قریشی که بی اذن ولی و سر پرست خویش بگریزد و به محمد بیبوند باید اورا به آنان باز گرداند و هرگاه کسی از آنان که از گروه محمد می- باشد، گریخته و نزد قریش آید باز گردانده نخواهد شد. این پیمان ظاهرابه نفع قریش بود اما اگر در هر ماده آن دقیق توجه صورت گیرد به نفع مسلمین میباشد. (رحیق المختوم، مولانا صفی الرحمان مبارکپور) که فایده ها و فتح بزرگی رابرای حکومت نوپای مسلمین به ارمغان آورد ذکر از حوصله این بحث خارج است.

همه این ها توضیح دهنده آنست که صلح در اسلام به کدام حد ضروری است حتی الله متعال به رسول اکرم (ص) در مورد مشرکین مکه می فرماید که اگر آنها به صلح میلان نشان دادند پس خودت هم مایل به صلح شو درین مورد قرآن کریم چنین میفرماید:

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (الانفال: 61)

ترجمه: ای محمد (صلی الله علیه وسلم) اگر آنها (دشمن) بطرف صلح میلان کنند پس خودت هم با آن (صلح) آماده شو، و توکل بر الله کن یقینا که او ذات شنوا و دانا است.

این مسئله میان دو گروه مومنان است، و اگر این ضرورت چند برابر شود از اهمیت بالای بر خوردار میشود.

زمانی که میان مسلمانان در مورد تقسیم غنائم بدر اختلاف به میان آمد الله متعال آیت اول سوره انفال را نازل کرد که اینگونه حکم میکند ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (سوره انفال آیه ۱)

ترجمه: از تو درباره انفال { غنائم، و هرگونه مال بدون مالک مشخص } سؤال می کنند؛ بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است؛ پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصوصتهایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید!

هم چنان قرآن کریم برای پایان دادن جنگ میان دو طائفه از مسلمانان، مسلمانان دیگر را مکلف ساخته و برای آنها چنین هدایت میدهد ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى ۖ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (الحجرات: ۹)

ترجمه: و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد. از سیاق آیه فوق هویدا می گردد که گروه تجاوز گر، گروه باغی و سرکش است که از حکومت و جامعه جدا شده به بغاوت و سرکشی می پردازد تا امنیت و نظم جامعه را بر هم زند.

باز در جای دیگری تاکید میدارد: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ** (حجرات: ۱۰)

ترجمه: مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

رسول اکرم (ص) در مورد اصلاح منازعه میان مسلمانان به اندازه حساس بود که شخصاً خودش برای اصلاح و حل آنها میرفت و آنرا برهرکاری دیگری اولویت میداد، از همین جهت اصلاح ذات البینی برای او بسیار مهم و ضروری بود و درجه و فضیلت آنرا بالاتر از سایر عبادات میدانست و در حدیثی میفرماید: **«عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةِ الصَّيَّامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ الْحَالِقَةُ»** (سنن ابی داود: ۴۹۱۹)

ترجمه: رسول الله (ص) می‌فرماید: آیا از چنین چیزی شما را آگاه نسازم که درجه آن بالاتر از روزه، نماز، و صدقه است؟ گفتند چرا نه یا رسول الله! گفت: اصلاح ذات البینی، زیرا فساد ذات البینی بَرَنده است.

در حدیث دیگری طبرانی در معجم الکبیر نقل کرده چنین آمده است: **«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَيْرِ بْنِ عَبْدِ بَنِ عَوْفٍ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو أَيُّوبَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا أَبَا أَيُّوبَ، أَلَا أُدْلِكُ عَلَى صَدَقَةٍ يُجِبُهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟ تُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَبَاغَضُوا، وَتَفَاسَدُوا»** (المعجم الطبرانی حدیث ۳۸۲۵)

ترجمه: رسول الله (ص) فرموده اند: ای ابویوب! آیا صدقه ای را برایت نشان ندهم که الله و رسول وی آنها را دوست دارد؟ فرمود: میان مردم اصلاح یابورید زمانیکه بغض ورزیدند و فساد کردند.

هم چنان دین مقدس اسلام با برانزده گی که دارد بجای تجاوز تسامح را برای انسانها پیشنهاد می کند و انسان ها را به مداوای غیر ذلیلانه فرا می خواند و روابط انسانی را چه در سطح افراد و چه در سطح اجتماعات برهمن اساس استوار میسازد، اما بدون اینکه به شر و بدی تسلیم شود یا به عناصر شرارت پیشه مجال تبارز و تسلط بدهد.

الله متعال به ضرورت دفع عداوت به شیوه نیکو تاکید می کند و بیان میدارد که اگر دفع عداوت به شیوه نیکو در جای مناسب انجام شود محبت و دوستی میآفریند و به پیامبر گرامی دستور می دهد که در برابر خصومت دشمنان از خویشان داری و گذشت نیکو کار بگیرد. گذشت نیکو آنست که از موضع قوت اجرا شود با عزت نفس مقرون باشد ضعف و عجز در آن راه نداشته باشد، و اگر ضرورت مجازات افراد و گروه ها مطرح شود باید در حدود حق و عدالت انجام پذیرد و تا جایی که ممکن است استفاده از شکیبایی و خویشان داری بهتر و اولی تر است. بهترین نمونه تسامح را رسول اکرم (ص) در روابط خویش با مشرکان و دیگران چه در معاهده ها و چه در جنگ ها مورد اجرا قرار داده است، اما بهترین شکل تسامح و گذشت در جنگ ها هنگام پیروزی تبارز می کند. در اسلام عزیز جنگ برای انتقام نه، بلکه برای دفع تجاوز و اعلائی نام الله در زمین مشروع گردیده است. (نظام سیاسی اسلام، عبدالقدوس راجی)

نتیجه گیری

اکنون بعد از مطالعه و بررسی کامل موضوع، به این نتیجه میرسیم که دین مبین اسلام پیروان خود را به محبت، اخوت، برادری فدا کاری، ایثار به صلح و آشتی طی دستورات قرآنی و احادیث گهربار رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) دعوت می نماید. از نزاع ها اختلافات و برخوردها و جنگ های گرم و سرد منع میکند.

اسلام نه تنها با پیروان خود بلکه با تمام بشر تسامح اخوت و برادری رامی- خواهد، چنانچه خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (الحجرات: ۱۰) مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

همچنان به این نتیجه میرسیم که صلح در اسلام از جایگاه خاص برخوردار است و صلح یک امر مشروع و مسلمانان مکلف به آوردن آن در بین همدیگر هستند زیرا در زیر چتر صلح است که احکام و تعالیم اسلامی تحقق میندند. و آوردن آن بالای تمام امت واجب است. بشرط آنکه مخالف شرع نباشد.

منابع

1. قرآنکریم
2. راغب، اصفهانی. (1389). فرهنگ قرآنی راغب. مترجم، جهانگیر ولد بیگی.
3. بخاری. (1997). محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، ریاض: دارالسلام.
4. زیدان، عبدالکریم (1388) **اصول دعوت**، مترجم، مومن حکیمی، ناشر: جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان.
5. راجی، عبدالقدوس، **نظام سیاسی در اسلام**، کتاب خانه فارسی عقیده.
6. قرضاوی، یوسف (1381 هـ ش)، **فقه سیاسی**، مترجم. عبدالعزیز سلیمی.

صلح از دیدگاه اسلام

پوهیالی محمد سدید ادیب

دانشکده شرعیات، دانشگاه البیرونی

الحمد لله رب العالمین، رضی لنا الإسلام دیناً، ومحمداً نبياً وهادياً ورسولاً، أرسله بالحق إلى الناس كافة بشيراً، ونذيراً، وداعياً إلى الله بإذنه، وسراجاً منيراً على فترة من الرسل، وانتشار للضلالة فصدع بأمر الله تعالى، وبلغ الرسالة، وأدى الأمانة، كما تلقاها، وبيّن للناس ما نزل إليهم، وأوضح شرائع الله، وأدى فرائضه حتى كمل للناس دينهم، وتمت عليهم النعمة، ورضى لهم الإسلام دیناً دائماً ثابتاً، لا ينطفئ نوره ولا تبيد معالمه، ولا تندثر شرائعه حتى يرث الله الأرض ومن عليها. وقال الله تعالى في كتابه العظيم: وإن طائفتان من المؤمنين اقتتلوا فأصلحوا بينهما فإن بغت إحداهما على الأخرى فقاتلوا التي تبغي حتى تفيء إلى أمر الله فإن فاءت فأصلحوا بينهما بالعدل وأقسطوا إن الله يحب المقسطين. [الحجرات:

چکیده

بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم (غزل:حافظ)

آن چی که در این چند سطر می خوانیم: محتوا و ماهیت صلح در اسلام عزیز، انواع و اقسام، پدیده صلح، تطبیق و تعمیم صلح در دین اسلام، حکم ملل و نحل، جامعه ها، ملت ها و دولت های که به مصالحه و آشتی تن در نمی دهند، پیامد های منفی، که از جنگ و اختلاف و تضادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، سمتی و... بمیان می آید، و تشویق قرآن کریم، و پیامبر عظیم الشان اسلام عزیز به مصالحه و همدیگر پذیری، و در نپذیرفتن، صلح و مصالحه پیامد های منفی و ناگواری بروز خواهد کرد که جبران آن مشکل خواهد بود، بقول فلاسفه (سالبه به انتفای موضوع خواهد شد). چون قضایای مصالحه و داشتن امنیت بسیار مهم و با ارزش می باشد، پیامبر العزم الهی ابراهیم خلیل الله (علیه السلام)، هنگام مناجات و استدعاء اولتر از همه از رب کریم امنیت و آرامش می خواهد چون امنیت، آرامش، آسایش محور اساسی جامعه را تشکیل می دهند و ستون فقرات یک جامعه و یک ملت و حتی یک فامیل، همان امنیت، اتفاق و اتحادشان می باشد. بنا بر ابراهیم خلیل (علیه السلام) دعاء می فرماید: **وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (البقرة: 126)**. ترجمه: (بیاد آورید) آنگاه را که ابراهیم گفت: خدای من این (سرزمین) را شهر پر امن و امانی گردان، و اهل آن را - کسانی که از ایشان به خدا و روز بازپسین ایمان آورده باشند - از میوه های (گونگونگی که در آن پرورده شود یا بدان آورده شود و دیگر خیرات و برکات زمین) روزیشان رسان و بهره مندشان گردان. (خدا پاسخ

داد و) گفت: (دعای تو را پذیرفتم، ولی در این عمر کوتاه دنیا، بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست،) و کسی را که کفر ورزد مدت کوتاهی (از ثمرات و خیرات و برکات این جهان) بهره مندش می سازم و سپس او را (روز رستاخیز) به عذاب آتش (دوزخ گرفتار و) ناچار می دارم، و (سرانجام و سرنوشت اینگونه افراد) چه بد سرانجام و سرنوشتی است. (تفسیر و ترجمه خرم دل) ترجمه دهلوی.

عین شکل الله متعال در سورت قریش، به اهل مکه وبه ویژه به مردم قریش منت می نهد که شما شاکر و قدر دانی نعمت های الهی باشد که در تابستان وزمستان سفرهای متعدد وپی هم را انجام می دهد هیچ گروهی سد راه تان نمی گردد،دو:به شما نعمت رزق وروزی فراوان را مهیا نموده است وعین شکل به شما نعمت امنیت را نصیب تان فرموده است حاصل این که صلح ، مصالحه،امنیت،آسایش، رفاه وغیر...گوشده ملت (افغانستان عزیز)، می باشد باید همه وهمه ملت بالعموم وقشر روشن،وچیزفهم جامعه وتحصیل کرده تشمیر نمایند واگرنشسته اند بر خیزند،واگراستاده اند بسیج شوند واگر بسیج اند در حرکت تشنه کام به سوی به آغوش کشیدنی صلح وآشتی واضمحلال،مفهوم جنگ ،کشتار،ویرانی،چوروچپاول،وغیره..مفاهیم نامتجانس بشتابند تا مسؤلیت خود را در قبال خلق الله ودر پیشگاه الهی ادا کرده باشند.

کلید واژه: اسلام، صلح، دیدگاه

مقدمه

در جهان که ما زیست داریم این جهان با وفق قلم روهای طولانی و جغرافیه‌ی بسیار عریض و بهم پیچیده که دارد در اثر ترقی و تعالی علم و دانش و آله‌های اتصالی به مثابه‌ی یک دهکده در آمده و می‌باشد و جامعه جهان و سازمان ملل و دیگر نهادها علمی و حقوقی جهت حفظ توازن و امنیت و برقراری عدالت و مساوت این دهکده و جهان قوانین و مقرراتی را پی‌ریزی نمودند و در اثری این قوانین تا حد جلوی استبداد، بربریت و وحشت، قتل و غارت، چور و چپاول و... پدیده‌های مذموم را گرفته‌اند.

اما با وجود این همه قوانین و قواعد ملی و بین‌المللی در بعضی جغرافیا و ملل و نحل (ملت‌ها) هنوز هم دیده شده که جنگ و خشونت استبداد و ظلم بربریت و تمامیت‌خواهی اوج‌گیری باشد و حتی در هر ماه و در هر روز شاهد حادثه‌های المناک می‌باشیم حتی در هر لحظه و ثانیه‌ی قیامت را می‌آفرینند و مادران را در سوگ فرزندان‌شان می‌نشانند و در هر شهر و هر ده‌ی برپیکر جنازه‌ی جوان استاد هستیم و اظهار تسلیت و غم شریک می‌نمایم پس چه باید کرد ای اقوام نجیب و فرخنده‌ای ملت افغانستان عزیز؟

در پاسخ این پرسش باید گفت که در اسلام عزیز و آئینی یهودیت و عیسویت قسمی که پدیده‌ی به‌عنوان جنگ داریم مفهوم محتوای بالاتر به‌عنوان (صلح داریم) صلح در اسلام نه تنها یک ارزش است بلکه صلح در اسلام من حیث

یک اصل و وثیقه‌ی است برای رسیدن به یک جامعه‌ی ایده‌آل و متمرکز صلح تنها آرزو نیست بلکه یک هدف و برنامه است چون همه بشریت می‌دانند که هیچ جامعه و ملت و حتی فامیل نیست که در آن گاه ناگاه خشونت و پرخاش‌گری رخ ندهد زیرا بشریت مدنیت طبع اند بناء زیست و زندگی، باهم نوع خویش را دوست دارند و در اجتماع و هم‌زیستی گاه تشنج و پراگندگی به وجود می‌آید و این تشنج و پراگندگی اگر جلوگیری نشود نتیجه‌اش تشنج و اختلاف و جنگ و تباهی خواهد بود روی این ملحوظ در اسلام عزیز قسمی که گاه جنگ جهت دفاع از ارزش‌ها، سلب آزادی، و گرفتن حق مشروع می‌گردد توأم با این در اسلام عزیز مفهوم صلح و مصالحه مطرح مباحث علمی و متون دینی می‌باشد که در شرایط کنونی کشور عزیزمان نیاز از حد بیش را دارا می‌باشد. برنابا: انجیل برنابا. خلیل سعادت 1989م.

اهمیت صلح

صلح در تمام قوانین ملی و بین‌المللی، و قانون دین مقدس اسلام از زاویه‌های مختلف بحث شده است و در تمام قوانین از جایگاه بزرگ و برجسته برخوردار می‌باشد، در قرآن کریم صلح و مصالحه را من حیث یک اصل و وجیبه‌ی دولت، ملت و حتی مسأولیت افراد مجتمعی اسلامی می‌داند و معرفی می‌نماید، قرآن کریم مصدر نخستین دین مقدس اسلام، اساس و بنیاد هلاکت و تباهی ملت‌ها و جوامع را، اختلاف و کشمکش را معرفی می‌نماید، و خداوند (جل جلاله)، می‌فرماید: {وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا} ... (آل عمران:

103). ترجمه: (و شما بر لبه ی گودالی از آتش بودید. پس خداوند شما را از آن نجات داد). در جای دیگر خداوند (جل جلاله)، می فرماید که اختلاف سبب از بین رفتنی قوت، شوکت، و متانت تان می گردد، بنا در اثر تنازع و کشمکش ملت ها و نحله ها ماهیت و هویت خود را از دست می دهند اتحاد، یکپارچگی و همبستگی پایه های اساسی بقا و استحکام ملت ها را تشکیل می دهند، و قضایای معکوس اش علت و انگیزه ی فرورختن جوامع و دولت ها و ملت ها خواهد گردید، روی این ملحوظ الله متعال می فرماید: وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (سوره انفال آیه 47)

ترجمه

و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید و (در میان خود اختلاف و) کشمکش مکنید، (که اگر کشمکش کنید) درمانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود (و ترس و هراسی از شما نمی شود). شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است.

از این جهت در قرآن کریم سوره ی (اخلاص)، بنام سوره توحید نیز نام گزاری شده است، به این معنی که الله (جل جلاله) یکتا است، و من حیث مظهر وحدت و جلوه گری از اختلاف و پراگندگی، یک نظام را بعنوان اسلام به بشزیت فرو فرستاده است، و محور زمین و مرکز اصلی این نظام کعبه و مکه را مشخص نموده اند که در حقیقت بنا بر تعبیر قرآن دنیا من حیث یک دهکده می باشد، و نظام اساسی اش اسلام را معرفی نموده است و من حیث منبع، مصدر و قانون قرآن

وسنت را فرو فرستاده است تا از اختلاف و جنگ و خون ریزی و بر هم خوردن نظام جلوگیری شود و در پی این خلقه های متعدد جهت مظهر وحدت و یکپارچگی در اسلام عزیز می باشد مشت نمونه ، می توات خلقه وصل واتصال حج را دانست که در ایام حج اقوام و توده های مختلف ، زبان های مختلف از ممالک مختلف با اشکال و قیافه های ناهمگون گرد یک خانه به یک صدا (لیبک اللهم لیبک) می گویند در میانشان هیچ نوع تبعیض و نژاد پرستی ، زبان پرستی و بزرگ نمایی مشاهده نمی گردد، دو حلقه دیگر از نماد وحدت و مسالمت دو عید در اسلام می باشد که اساس و مظهر یکپارچگی می باشد که اقوام و نژاد های مختلف به رهبری یک امام در یک صف به زبان نعره های تکبیر را بلند می نمایند بدون کدام اختلاف و دیگر گونی . سه: نماز یکی دیگر از نماد و مظهر وحدت در اسلام و حلقه ی وصل واتصال نماز می باشد که در صف واحد به زبان واحد و به قیادت امام واحد مردم در حرکت و تحریک می آیند بر می خیزند و می افتند ، این جا انسان بخود می آید که اسلام سراسر اتحاد و وحدت دین دوستی و آشتی دین برادری و برابری دین همزیستی و همگرایی می باشد اما نادانسته یک تعداد از محتوای علیای اسلام چیز دیگر را بر داشت نمودند، و به جای تطبیق اش در اضمحلال اش بر آمدند (آرنولد ۱۹۷۰).

مفهوم صلح در شریعت

1. صلح: برگرفته شده از لسان عربی است بمعنی (ترك المنازعه) فرو گذاشتن اختلاف و از بین بردن کشمکش ذات البینی می شد و در اصطلاح شرعی: قرار دادی است که منع می نماید خصومت و پرخاش گری را در میان دونفر و یا بیشتر از اینها. التهانوی، کشف اصطلاحات فنون والعلوم. لبنان 1996. علی اکبر: دهخدا.

مشروعیت صلح از دید قرآن و سنت

چون بقاء و ثبات یک جامعه و یک ملت بر امنیت و صلح گره خورده است و در هیچ ملت و جغرافیای ثبات، امنیت، تمرکز قدرت، رشد فکری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و علمی نمی آید مگر به صلح و آسایش و همدیگر پذیری برادری و برابری از همین جهت قرآن کریم صلح را نیاز مبرم و قطعی قلم داد نموده می فرماید: "وإن طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فأصلحوا بينهما فإن بغت إحداهما على الاخرى فقاتلوا التي تبغى حتى تفيئ إلى أمر الله فإن فاءت فأصلحوا بينهما بالعدل وأقسطوا إن الله يحب المقسطين". [الحجرات: 9]. ترجمه: هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند در میان آنها صلح بر قرار سازید و اگر یکی از آنها بر دیگری تجاوز کند با طایفه ظالم پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد، هر گاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد) در میان آن دو بر طبق عدالت صلح بر قرار سازید، و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشه گان را دوست

دارد. از آیه ی متبرکه چنین برداشت می گردد که جنگ و صلح دو پدیده هستند که در نهاد بشریت به وداعت گذاشته شده و طبعی است که در اجتماع و روند کانون رشد و تکامل بشری خشونت و پرخاش گری و اختلافات دایر شدن استند و به میان می آید و در متن جامعه انسان های متفکر و خرد مند باید جهت حل معضل و کشمکش تشمیر نمایند و روند جامعه و ملت و حکومت را به سوی بهبود و صلح و آسایش سوق بدهند و افراد دون همت و متمرد را توأم به زور و بازو به اجتماع سالم در بیاورند. صلح در اسلام عزیز آن قدر اهمیت دارد که در قرآن کریم در چهار جای در موارد مختلف این بحث مطرحه گردیده نخست در مورد خشونت و پرخاش گری میان خوانواده (مرد وزن) دوم صلح با کفار سوم: صلح در میان دو گروهی از مسلمین چهارم صلح در اموال. در احادیث پیامبر ص نیز صلح و مصالحه تاکید گردیده بعضی این احادیث را بطور نمونه ذکر می نمایم تا اهمیت مصالحه در اسلام نمایان گردد: 1. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ زَادَ أَحْمَدُ إِلَّا صُلْحًا أَحَلَّ حَرَامًا أَوْ حَرَّمَ حَلَالًا (سنن ابی داود 1423هـ - 2002 م. ترجمه: حدیث از ابوهریره رض روایت است که فرمود و فرمود رسول الله ص: "سازش در مرافعات، میان مسلمانان جایز است مگر سازی که حرامی را حلال یا حلالی را حرام گرداند". 2. پیامبر ص می فرماید: لا تباغضوا ولا تحاسدوا ولا تقاطعوا، وكونوا عباد الله إخواناً (البخاری و مسلم: 1423هـ - 2002 م). 3. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: با همدیگر دشمنی و حسد و قطع رابطه ننموده و پشت نکنید. و ای بندگان خدا با هم برادر باشید). «لا

ترجعوا بعدی کفاراً یضرب بعضکم رقاب بعض»⁴. (رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بعد از من کافر نشوید، که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزنند). «لیس الکذاب الذی یصلح بین الناس، فینمی (2) خیراً ویقول خیراً» (البخاری: 1422هـ) ترجمه: «پیامبر ص فرمودند: کذاب و دروغگو، کسی نیست که بین مردم صلح برقرار میکند و خیری را آشکار مینماید (عمل یا حرف خوب کسی را به دیگران میگوید) یا سخن خوبی بر زبان میراند» ترمذی: 1420.

انواع صلح در اسلام

از دید دانشمندان و فقهاء اسلامی صلح بر پنج نوع تقسیم می گردد نخست: صلح در میان کفار و مسلمین، دو: صلح در میان اهل عدل و متهمین و بغات، سه: صلح در میان زوجین (مردوزن) در صورت خشونت و ستیزه جوی، چهار: صلح در میان دو مخاصمین در غیر مال همچون در جنایات عمد و قصدی، پنج: صلح در میان دو متخصمین در اموال. علامه ابن قیم (رح) صلح را به دو بخش اساسی تقسیم بندی نموده اند نخست: صلح عدل و مجاز: مبنای اساس اش خشنود الهی و قناعت طرفین در گیر حاصل شود و اساس این صلح علم، آگاهی و عدل مساوات می باشد قسمی که خداوند ج ارشاد دارمی فرماید: { فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ } در میان آنها صلح بر قرار نماید بر اساس عدل و انصاف. ثانیاً: صلح ناجایز و بر ظلم: و این عبارت از صلح می باشد که حلال را حرام و یا حرام را حلال قرار بدهد همچون صلح که سود و منفعت را در پی داشته باشد و یا هم واجب و تکلیف را از بین ببرد و یا برفع جنایت کار و به ضرر مظلوم بی انجامد بنا صلح یک مفهوم

مقدس و یک محتوی علمی است که کشور های که در جنگ ،خشونت ،استبداد و کشمکش می باشد آن ها را مبدل بیک کشور مدل واستندر می سازد . (الفقه الإسلامي؛ ب،ت .) الآثار الباقية. البيروني.

تمثیل صلح در حیات پیامبر اسلام (ص)

اگر تاریخ درخشان اسلام عزیز را صفحه گشای نمایم ، وفراز ونشیب ادوار زندگی پیامبر صلی الله علیه وسلم را به دقت وتعمق مطالعه نمایم ، برایمان هویدا خواهد گردید که ناجی بشریت در دوران تاریخ پربارش از جنگ وخون ریزی کرده صلح ومصالحه را ترجیح می داده اند ودر ادوار زندگیش حتی بامشرکین هم اشتیاق فراوان بر قتال وجنگ نداشته :(قسمی که می فرمایند : قریش بجای جنگ من را واگزارمی نمودند بر دیگر قبایل عرب اگر پیروزی می شدم بر این قبایل این پیروزی ایشان بود اگر شکست را متقبل می شدم این چیز هست که ایشان می خواهند). نه تنها ایشان صلح را دوست داشتند بلکه جهت تامین امنیت ، تطبیق عدالت ، ترویج فرهنگ و کلتور درست با یهود پیمان می بندد که در صورت یورش بر مدینه یهود باید توأم بامسلمین از مدینه دفاع نمایند واز یاری ویاوری یهود از مدینه چه اکمال مال وجان ویا هر نوع همکاری دیگری را ایشان بپذیرفتن واین پیمان در تاریخ درخشان اسلام بعنوان (میثاق مدینه) یاد می شود وپیامبر ص تاهنگام که یهود مدینه نقض عهد نمودند بر این تعهد وپیمان وفادار بود ودر تحت حمایتی (دار الاسلام) جان ، مال ، نسل ،آبرو وخانه وکاشانه اش شان محفوظ ومصون بود ومثل مسلمین از ایشان نگهداری وپاسداری می شد اما

هنگام که نقض عهد نمودند پیامبر ص به ایشان معامله بالمثل نمود. دوم: تمثیل اساسی صلح در امتداد خطی طولانی اسلام این پیمان با سرسخت ترین دشمنان اسلام عزیز و در حساس ترین خطوط قرمز اسلام صورت می گیرد که همان عبارت از مشرکین عرب که در چندین نبرد بایک دیگر جنگیدند و نبرد آزمای نمودند و از هر دو جانب تلفات سنگین مالی و جانی را متقبل شدند تا این که مشرکین را جنگ های خونین و مرگ بارمجبور به مصالحه نمود و در صورت پذیرش ایشان مصالحه را پیامبر ص با ایشان کنار آمدند و قرار داد صلح را کتبی نوشتند اگر چه محتوا و متن این مصالحه کاملاً به ضرر مسلمانان بود اما با وجود هم پیامبر ص قرار داد را مجاز دانسته با ایشان مصالحه را امضاء نمودند که در تاریخ گهر بار دین مقدس اسلام بعنوان (صلح حدیبیه) مرقوم می باشد و مورخین اسلامی پیروزی اسلام را در برابری جهانیان از فیض و متانت همین پیمان می نگارند و پیامبر اسلام نیز بر این پیمان متعهد بودند تا هنگام که مشرکین شروع به نقض عهد و پیمان شان نمودند بنا پیامبر ص از این پیمان صرف نظر نمودند. سوم: تمثیل و تطبیق عدالت محمدی با یهود خیبر در معاملات زرعی که بمجرد فتح خیبر پیامبر ص اراضی ایشان را که فتح نمود بر منفعت و سود حاصلات (ثلث و ربع) اراضی مفتوحه به ایشان معامله نمود و این قرارداد در تاریخ بعنوان (معامله با اهل خیبر بر اراضی مفتوحه) تسجیل می باشد. روح المعانی (ب، ت). القرون الماضیه. البیرونی مکتبه قلم. جیمز، ویلیم: دین و روان مکتبه شامله.

حکم مصالحه از دیدگاه اسلام

قبلا یاد آور شدیم که صلح و مصالحه در اسلام یک اصل و وثیقه ی است برای رسیدن به یک جامعه مرفه و متوازن و این صلح در کتب اسلامی بعنوان یک موضوع مهم و محوری می باشد که برای آن مباحث و فصول علیحده و مستقل را منعقد نمودند و ابعاد و جوانب این را به بحث و بررسی کلی گرفتند یکی از این مباحث و فصول بحث احکام این می باشد که آیا صلح مجاز است یا خیر اگر مجاز است در کدام سطح و درجه . بنا علماء و دانشمندان صلح را مجاز می دانند ، و یکی از دانشمندان مایه ی ناز که مسمی به (ابن قدامه)، می باشد در کتاب علمی اش (المغنی)، اجماع امت را نقل نموده بر جواز صلح و مصالحه در اسلام . و حکم صلح در نزد فقهاء بر پنج نوع می باشد نخست: واجب : و این در صورت می باشد که مصلحت عامه و خاصه در خطر بیافتد . دوم: مندوب در صورت که منافع و مصلحت عامه و خاصه در خطر نباشد اما خوف این نمایان گردد . و سوم: مباح در حالت عادی . چهارم: حرام در صورت که خطر ظلم و استبداد باشد . پنجم: مکروه در صورت که این صلح پایدار نما ند .

صلح و مصالحه در دین یهودیت و عیسویت

در تورات که به موسی (علیه السلام) نازل گردیده است عنوان می باشد به اصول ده گانه یا وصایای ده گانه، در آن آمده است که قتل نکنید و یکدیگر را نکشید، و احیاناً اگر جنگ به وقوع پیوست راه صلح را در پیش بگیرید. در انجیل

که کتاب خدا(ج) می باشد بر عیسی (علیه السلام)، فرود آمده است منقول است که اگر شخص باشما جنگید و به سیلی در رختان زد شما جهت رفع منازعه و آشتی رخی دیگر را بگردان تابزند اما تو جنگ نه نما. قرآن کریم و کتاب نجات بخش الهی و آخرین پیام ربانی حرف نخست که در تورات آمده به اندک تغییر آن را محمد عبد الله، (1970) بحوث المهمة لدراسة تاریخ الادیان.

بیان نموده که یکدیگر را نکشید و ایشان را به ناحق از خانه و کاشانه ایشان بیرون نرانید که این در حقیقت نوع از فسق و تجاوز می باشد سوره بقره: آیت، 84. انجیل برنبا 1989م. برایتس ، آی . بی : (1991م.) فصح الیهود ، تعالیم الحاخامین السریة.

صلح و مصالحه در میهن عزیز مان افغانستان

برای همه هویدا است که صلح و مصالحه در تمام قوانین اعم از قوانین اسلامی و غیر اسلامی ملی و بین المللی یک اصل و یک فورمول اساسی است برای ثبات دایمی ، سیاسی ، اقتصادی فرهنگی ، علمی و دینی نیاز مبرم می باشد، اساس یک ملت ، جامعه ، و دولت و حتی رشد تمدن را امنیت ، و صلح و آسایش تشکیل می دهد جوامع که در اصطلاح فرهنگی جهان نخست و یا جهان اول یاد می شوند رشد و تکامل شان دفعتاً و آنی نبوده است، بلکه گاهی هم در جنگ های ملی و بین المللی و فرامنتقی در گیر بودند. بنا در اثری سعی و تلاش خستگی ناپزیر شخصیت های علمی و سیاسی اوضاع متشنج و ناگوار را به فضای پر از

صمیمیت، اخلاص، همدیگرپذیری و امنیت مبدل نمودند. پس ملت رنج کشیده افغانستان نه تنها در فهرست کشور های فقیر و جهان سوم می باشد بلکه دارد در ورطه ی جنگ ناآمنی، فضای بی اعتمادی، خشونت و غیره.... پنجه نرم می نماید و از اثر همین فضای (کابوس سیاه) آمیخته به مشکلات، وموانع، جنگ و خشونت قلم روی خود را گسترش می دهد و فضای بزرگ و بزرگتری را احاطه می نماید و پیامد اش تباهی، مهاجرت، و از بین رفتن زیر بناها و حتی در اثر زمان گیری جنگ می تواند جغرافیای منطقه و فرمانطقه را هم تحت پوشش و دامنه ای خود قرار بدهد و بیشتر ملت ها، و دولت ها را متضرر بسازد و بلاخره جهان و قسمت آن در گودالهای شعلی جنگی از هم فروریزد و نظم و سیستم حاکم بر طبیعت از بین برود و جهان تبدیل به یک مخروبه و ویرانه گردد.

نتیجه گیری

صلح و مصالحه در اسلام، یک وجبیه الهی بر تمام ملت دولت و همه ی افراد جامعه اسلامی می باشد، و همان گونه که مصالحه در اسلام دارای ارزش است، گاه جنگ هم بخاطر بمیان آمدن صلح ارزش پیدا می کند، و جنگ و خون ریزی در اسلام نه تنها منفور است حتی جنگ و خون ریزی در میان مسلمانان را قرآن و حدیث پیامبر (صلی الله علی وسلم)، به کفر تعبیر نموده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: سباب المسلم فسق و قتاله کفر. (مسند احمد: 1415 هـ) ترجمه: دشنام دادن مسلمان فسق است و کشتن اش کفر است.

بنا اختلاف و کشمکش علت و انگیزه اصلی از بین رفتن قوت و متانت ملت ها و جوامع می گردد، پیامد ناگوار جنگ از بین رفتن زیر بناها، اقتصاد و به میان آمدن سیاست نامتوازن افزایش فقر، جهل و بیسوادی، و مساعد شدن مداخله قدرت های منطقه و فرامنطقه، و در نتیجه در تمام صحنه های زندگی از جهانیان باز خواهیم ماند

منابع

قرآن کریم

- 1 . آرنولد، سیر توماس. (۱۹۷۰). الدعوة الى الاسلام. ترجمه حسن ابراهیم حسن وشركاه، النهضة المصریه ، القاهرة .
- 2 . آلوسی ، محمود بن عبدالله . (1422 هـ). روح المعانی . دار إحياء التراث العربی ، بیروت .
- 3 . ابوحنیفه ، النعمان . (1991م). الفقه الاكبر . دار النفساء بیروت . چاپ اول 1991.
- 4 . البخاری ، محمد بن اسماعیل . (1423هـ – 2002م). صحیح البخاری . تحقیق وترقیم وفهرست : الدكتور مصطفى ديب البغی دار ابن الكثیر ، بیروت .
- 5 . برنابا: انجیل برنابا . (1989م). ترجمه به عربی : دكتور خليل سعادت .
- 6 . بیرونی ، البوریحان محمد بن احمد . (1389). مکتبہ قلم: الآثار الباقیة عن القرون الخالیة .
- 7 . الترمذی ، عیسی بن سوره . (1420). سنن الترمذی . دار التراث العربی ، بیروت .
- 8 . دراز ، دكتور محمد عبد الله . (1970). بحوث المهمة لدراسة تاریخ الاديان . دار القلم ، كويت، 0.

- 9 . دهلوی ، أحمد عبد الرحيم . (معروف به شاه ولی الله) (ب،ت).
التفهيمات الإلهية .
- 10 . دورانت ، ویل واریل : درس های تاریخ . (1975م). ترجمه محسن
خادم .
- 11 . برنابا: انجیل برنابا .خلیل سعادت 1989م.
- 12 . التهانوی ، محمد بن علی . (1996 م). كشف اصطلاحات فنون والعلوم
لبنان.
- 13 . دهخدا، علی اکبر : لغت نامه دهخدا . دانشگاه تهران .
- 14 . الجرجانی ، سید شریف علی بن محمد . (1985 م). کتاب التعريفات
. تحقيق إبراهيم الأبياری . دارالكتاب العربی ، چاپ اول.
- 15 . جیمز، ویلیم : دین وروان ، ترجمه مهدی قاینی ، دار الفکر قم .
- 16.: مجموع فتاوی ابن تیمیة مصدر الكتاب : موقع الإسلام
<http://www.al-islam.com>
17. فقه السنة - الشيخ سيد سابق. <http://www.al-islam.com> .
18. المؤلف : أ.د. وَهْبَةُ الزُّحَيْلِيِّ . الفقه الإسلامي وأدلته الشامل للأدلة الشرعية
والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقیق الأحادیث النبویة وتخریجها
أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامي وأصوله بجامعة دمشق - كلية الشريعة. الناشر :
دار الفكر - سورية - دمشق.

19. المؤلف : عبد الرحمن الجزیری. [الفقه على المذاهب الأربعة - الجزیری

[الكتاب : الفقه على المذاهب الأربعة.

20: برایتس ، آی . بی . (1991م .) . فضح اليهود ، تعالیم الحاخامین السریة ،

ترجمه ی زهدی الفالح . دار النفایس ، بیروت ، چاپ چهارم .

21: الحنبل ، احمد ابن حنبل ، <http://www.al-islam.com> . المكتبة الشاملة .

جایگاه صلح و همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه اسلام

پوهیالی نجیب‌الله مجددی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه البیرونی

چکیده

در این مقاله فشرده که برای نشریه صلح دانشگاه البیرونی به رشته تحریر درآمده است، بصورت خلاصه به مسئله صلح و همزیستی مسالمت آمیز و جایگاه آن در دین مقدس اسلام، در پرتو آیات قرآنی و احادیث و سیره نبوی پرداخته ایم. صلح و جنگ دو مفهوم کاملاً آشنا و مورد توجه انسان‌ها در طول تاریخ بوده است و همیشه این سوال مطرح است که کدام یک اصل و کدام فرع است. ادیان و ایدئولوژی‌های و مکاتب مختلف علمی و فلسفی به این دو مفهوم و اصالت آن‌ها پرداخته اند که هر کدام به نوبه خود استدلال‌های در زمینه داشته اند. دین مقدس اسلام نیز به عنوان یک دین کامل و همه شمول مسئله صلح و جنگ را به گونه‌ای در خود جا داده است و پیرامون آن آیات متعددی نازل شده است. در مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش کلیدی هستیم که اسلام برای صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان انسان‌ها و مخصوصاً مسلمانان چه جایگاه، ارزش و مقامی قایل است؟ و برای دریافت پاسخ قناعت‌بخش نیازمند طرح دو پرسش فرعی دیگر هستیم. صلح و همزیستی مسالمت آمیز در قرآن از چه جایگاهی برخوردار است؟ ارزش و جایگاه صلح در احادیث و رفتار پیامبر(ص) چگونه بوده است؟ در پاسخ به سوال فوق این فرضیه مطرح شده است که: اسلام به عنوان

یک دین جهان‌شمول و فراگیر در صدد جنگ زدایی بوده و تلاش کرده تا همه‌ی انسان‌ها و مخصوصاً مسلمانان جهان زیر چتر دین در صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز زندگی نمایند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در پی بررسی مسایل فوق‌بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها و معلومات مورد نیاز از روش کتاب‌خانه‌ی سود برده ایم.

واژگان کلیدی: اسلام، صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز، جنگ.

جلوگیری از وقوع جنگ و تلاش برای برقراری صلح از آغاز تاریخ زندگی جمعی بشر دغدغه‌ی در اذهان رهبران و اندیشمندان اجتماعی بوده است. می‌تواند ادعا کرد که علوم انسانی مدرن به منظور ایجاد صلح در جامعه انسانی شکل گرفته است. مفهوم صلح و ایجاد صلح انگیزه‌ای برای ایجاد ائتلاف‌ها و بستن پیمان‌های بسیاری بوده است. آن چیزی که مفهوم صلح را برای انسان بسیار مهم و حیاتی جلوه می‌دهد آثار نبود آن و در نتیجه جنگ و خشونت است (افتخاری و سیرت؛ ۱۳۹۲، ۵۴). دانشمندان حقوق بین‌الملل و جایب دولت‌ها را در برابر یکدیگر در حالات جنگ و صلح تنظیم کرده‌اند که نخستین و عمده‌ترین آن عبارت از این است که روابط بین‌الملل باید به اساس صلح باهمی (همزیستی مسالمت‌آمیز) بر قرار باشد، تا همکاری متقابل و تبادل منافع در میان آنها جهت ارتقای انسان به مدارج کمال میسر گردد. در قوانین بین‌المللی تأکید شده که قطع روابط نیک بین دولت‌ها بجز در حالات شدید که از طریق مسالمت‌آمیز در راه رفع اختلاف به ناکامی انجامد جواز ندارد. اسلام در هر لحظه از صلح پشتیبانی می‌کند و در هر وقتی و حتی در جریان جنگ اگر یک دولت با کشور در حالی جنگ باشد و پیشنهاد صلح را نماید، اسلام پیشنهاد صلح را ترجیح می‌دهد، زیرا صلح در اسلام اساس است (توریال؛ ۲۰۱۲: ۶۸). صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز از توصیه‌های الهی در قرآن و از اهداف مهم انبیا، به ویژه پیامبر اسلام است. بر همین اساس، تحکیم و گسترش وحدت و اخوت در بین همه اقشار جامعه و ارتباط سالم با دیگر ملل، از اهداف اجتماعی اسلام محسوب می‌شود؛ به طوری که در حکومت

مدینه، پیامبر علاوه بر عقد اخوت میان مسلمانان مهاجر و انصار، پیمان نامه‌های را با قبایل و اقوام یهودی، مسیحی و غیره امضاء نمود تا با عمل به قانون اساسی حکومت اسلامی صلح و همزیستی حکم فرما باشد. آنچه که از نظر اسلام اهمیت دارد، آرامش، امنیت، رفاه و زندگی انسانی و الهی به دور از تفرقه و اختلاف و ظلم پذیری است که در قالب آموزه‌های دینی عرضه شده است (جعفری؛ ۱۳۹۵: ۱۵۱).

در فرهنگ و فقه سیاسی اسلام دو واژه سلام و صلح اهمیت ویژه دارند و بی سبب نیست که اسلام در روابط بین‌الملل و پیامبر(ص)، نیز در رسالت و سیاست خویش، اصل همزیستی مسالمت آمیز را یکی از اصول مهم حاکم بین‌پروان خود و مناسبات آنها با سایر ملت‌ها مطرح کرده است؛ زیرا مقتضای فطرت انسان در مناسبات و روابط خود با هم‌نوعانش حالت همزیستی و مسالمت آمیز است. از منظر اسلامی جنگ و ستیز حالت عارضی و موقت و نه طبیعی و دائم دارد. آیات متعددی از قرآن (و همچنان سنت پیامبر (ص)) نیز این مطلب را تأیید می‌کند (اخوان کاضمی؛ ۱۳۹۲: ۱۰۱). که در مباحث آتی آنها را بصورت مفصل بیان خواهیم کرد.

قبل از اینکه به ارزش و جایگاه صلح و همزیستی مسالمت آمیز در روابط بین‌المللی اسلام بپردازیم لازم است تا صلح و همزیستی مسالمت را تعریف نموده تا روشنایی آن تعاریف بتوانیم مباحث آتی را در زمینه دنبال کنیم.

سوال تحقیق

ما در این تحقیق فشرده به دنبال دریافت پاسخ به این پرسش کلیدی هستیم که اسلام به عنوان یک دین کامل و همه شمول برای صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان انسان‌ها و مخصوصاً مسلمان چه جایگاه و حیثیتی قایل شده است؟

فرضیه تحقیق

با توجه به آیات متعددی قرآنی و دساتیر روشن و صریح نبوی، دین مقدس اسلام برای صلح و همزیستی مسالمت آمیز؛ جایگاه ویژه و درخور ستایش را قایل است. جنگ و خشونت‌های افراطی که امروز از آدرس دین اسلام در جهان مروج است، اصلاً جایگاه و ارزشی در دین ندارند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این تحقیق در شرایطی کنونی در آن که همه‌ی خشونت‌ها متأسفانه در افغانستان از سوی گروه‌ها و افرادی متعددی توجیه دینی دارد، که بدبختانه عده‌ای از مردم نیز آن توجیه‌های نامعقول و غیر دینی را عیناً دینی می‌دانند. روشن ساختن این مسله که اصلاً در دین اسلام خشونت و جنگ جایگاه ندارد و دین اسلام، دین صلح و آیین زیست باهمی است، در شرایطی کنونی شاید کلیدی باشد برای فهم درست دین و راهی باشد برای تأمین صلح و فراهم ساختن زیست باهمی در جامعه افغانستان. آنچه که ضرورت این دست از تحقیقات علمی را برجسته می‌سازد عدم کاوش‌های فراگیر درون دینی و مستند با آیات و احادیث نبوی در حوزه جنگ و صلح است.

هدف تحقیق

این تحقیق در کل به هدف روشنگری اذهان عامه در قبال جایگاه صلح و همزیستی مسالمت آمیز در اسلام به رشته تحریر درآمده است. در تحقیق حاضر نویسنده در پی این است که با توجه به شرایط و وضعیت بد سیاسی و امنیتی و همچنان وضعیت آشفته سیاسی در جوامع اسلامی و مخصوصاً جمهوری اسلامی افغانستان، جایگاه و ارزش صلح را از دید اسلام روشن ساخته تا در پرتو آیات و احادیث نبوی بتوانیم به صلح مثبت و رفاه اجتماعی نایل شویم.

تعریف و مفهوم صلح

برای یافتن مفهوم صلح با دسته و طیفی از مفاهیم روبرو هستیم که برخی در برابر مفهوم جنگ بیان شده اند و برخی دیگر مستقلاً به تعریف از صلح پرداخته اند. هنگامی که از صلح سخن می‌گوییم با پدیده‌ای مواجه هستیم که بر روی یک طیف قرار می‌گیرد. پدیده صلح موضوع یک علم مستقل و ویژه نیست. برخی عناوین به عنوان علم صلح مطرح است، اما اصطلاح «مطالعات صلح» و یا «تحقیقات صلح» به ویژه در حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل بیشتر شناخته شده و کاربرد دارد (افتخاری و سیرت؛ ۱۳۹۲: ۵۳). از لحاظ لغوی صلح در دانشنامه‌های فارسی به معنی آشتی، دوستی، همزیستی مسالمت‌آمیز، مقابل جنگ و کینه آمده است. دهخدا آنرا معادل آشتی، تراضی میان متنازعين، مقابل حرب و جنگ و معین آنرا برابر با آشتی کردن و آشتی دوستی دانسته است. همچنان واژه صلح در فرهنگ‌های عربی به معنای سلم، همزیستی مسالمت‌آمیز، نیکو

ساختن و نیکی کردن {...} رسیدن به وفات و پایان خصومت و دشمنی آمده است (جمشیدی؛ ۱۳۹۶: ۴).

جمشیدی در یک بررسی لغوی معانی واژه صلح را شامل موارد زیر می‌داند:

1. سلم، سلامتی، امنیت و آرامش؛
2. اتفاق و اتحاد؛
3. نیکو ساختن امری و چیزی؛
4. همزیستی مسالمت آمیز و یا هم در امنیت زیستن؛
5. ضد جنگ و حرب یا حالت فقدان جنگ و نا امنی.

اما در رویکرد اسلامی، مفهوم صلح، معادل واژه سلم در قرآن کریم بوده و دارای دو بعد درونی و بیرونی است؛ تحقق آن در بعد درونی وظیفه ای همگانی است، بر خلاف رویکرد مادی که قصد ایجاد صلح در عالم بیرون دارد. قرآن صلح واقعی را صلح و سلم ایمانی و درونی و عدم پذیرش خطوات و وسوسه های شیطانی می‌داند و ایمان به خداوند را زمینه ساز ورود در صلح حقیقی و پایدار ذکر می‌کند (افتخاری و سیرت؛ ۱۳۹۲: ۷۵). در زبان قرآن و سنت پیامبر (ص) واژه سلم، سلام و صلح نه تنها برای بیان ارتباط با دیگران بلکه برای بیان زندگانی ایده آل اسلامی به کار برده شده اند. دو واژه کلیدی اسلام صلح و سلم هستند که هر دو به معنای آشتی، نرمش، سازش و وجود امنیت و آرامش و برکنار بودن از آفات و بیماری‌های ظاهر و باطنی است. کلمه اسلام نیز خود از ماده سلم است

که از نظر مفهوم، یعنی ورود در سلامتی و امنیت و فقدان کشمکش و نا امنی است (جمشیدی؛ ۱۳۹۶: ۶).

و در نهایت صلح در اصطلاح فقهی به عقدی گویند که بر اساس آن نزاع و درگیری میان دو طرف متخاصم رفع شود. البته صلح لزوماً پس از منازعه و درگیری نیست، بلکه می‌تواند پیش از منازعه و نوعی پیشگیری از درگیری باشد؛ یعنی به جای رفع منازعه دفع منازعه باشد (اخوان کاظمی؛ ۱۳۹۲: ۱۶۵). بطور کلی واژه صلح با مشتقات آن ۳۴ مرتبه و سلم با مشتقات آن ۷۷ بار در آیات قرآنی آمده است که این خود بیانگر ارزش و جایگاه والای صلح در دین مقدس اسلام است.

تعریف و مفهوم همزیستی مسالمت آمیز

اصطلاح همزیستی مسالمت آمیز اصطلاحی است کاملاً جدید و بخصوص پس از شکل گیری نهادی به نام دولت بوجود آمده و عمر چندانی در حقوق بین الملل ندارد بهمین دلیل در اسلام هم نمی‌توان به طور دقیق و به معنای امروزی، چنین اصطلاحی را یافت ولی با مطالعه‌ی این اصل و بررسی دین اسلام میتوان به این نتیجه رسید که بسیاری از مفاهیم و محتویات این اصل به انواع گوناگون در دین اسلام مطرح شده است.

در زبان فارسی تعاریف مختلفی برای این کلمه ذکر شده که یکی از آنها با هم زیستن، زندگی دو تن یا دو گروه با یکدیگر در حالی که شاید مناسب یکدیگر نباشند. اما مهمترین واژه‌ای که در زبان عربی معادل کلمه‌ی «همزیستی مسالمت

آمیز» به کار برده می شود واژه ی «التعايش السلمی» است و در زبان انگلیسی به آن Peaceful coexistence می گویند (حسینی؛ نشر الکترونیکی).

منابع صلح و همزیستی مسالمت آمیز در اسلام

نظر به اینکه نظام حقوقی اسلام قایل به شناخت وحدت حقوقی است، بنابراین منابع اصلی خاصی به عنوان منابع صلح و همزیستی مسالمت آمیز، جدا از حقوق داخلی مد نظر نیست. منابع صلح و همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه اسلام، یعنی عوامل و عناصر شکل گیری قواعد و مقررات در رابطه به صلح و همزیستی مسالمت است که از نظام عقیدتی اسلام ناشی می شوند. مهمترین منابع اسلام در رابطه به صلح و همزیستی مسالمت آمیز در روابط بین المللی اسلام عبارت اند از: قرآن، سنت، اجماع و قیاس از نظر اهل تشیع عقل.

الف- قرآن کریم صلح و همزیستی مسالمت آمیز

قرآن کریم مهمترین و اصیل ترین منبع اسلام است. خداوند ج در آیات متعددی از قرآن عظیم الشان انسان را به صلح، صفا، صمیمت، برادری، دوستی، اخوت و زیست باهمی تشویق نموده و آن را بهترین و نیکو ترین کار انسان معرفی کرده است. چنانچه خداوند(ج) فرموده است: والصلح خیر، ترجمه صلح بهتر و نیکوتر است.

قرآن با مخاطب قرار دادن تمام بشر «یا بنی آدم، یا ایها الناس»، همگان را به برخورد با نیکوترین شیوه و دفع بدی با نیکی که بهترین تسلیم پذیری در برابر فرمان خداست، دعوت می کند و سفارش می نماید که از نژاد پرستی پرهیز کنند،

و نه تنها مسلمانان با یکدیگر در صلح باشند و عقد اخوت ببندند، بلکه با برقراری روابط سالم با دیگر ملل از جمله اهل کتاب، زندگی مسالمت آمیز توام با صلح داشته باشند، و به آن ها سفارش می کند که از تفرقه، اختلاف و جنگ مذهبی پرهیز کنند، و به جای آن، اصول مشترک میان هم را که توحید و یکتاپرستی است، پیدا کنند (جعفری؛ ۱۳۹۵: ۱۵۶). که این مسله در سوره اعراف آیات ۲۶، ۲۷ و ۳۵، سوره بقره آیات ۱۱۳ و ۲۱۳، سوره حجرات آیه ۱۳، سوره عنکبوت آیه ۴۶، سوره فصلت آیات ۳۳ و ۳۵، و در نهایت سوره آل عمران آیه ۶۴ به وضوح بیان گردیده است.

بررسی و مطالعه قرآن کریم بیان گر آن است که از ریشه «س ل م» مشتقات متعددی نظیر اسلام، تسلیم، مسلم، سلام و ... به کار رفته است، لکن از میان این واژگان همان طور که در پیش بیان شد واژه سلم با مفهوم مصطلح صلح مترادف بیشتری دارد. واژه سلم در قرآن کریم با اعراب گوناگون در ۱۰ آیه به کار رفته است. با بررسی این آیات مشخص می گردد که واژه سلم تنها در پنج آیه در معنای صلح آمده است (افتخاری و سیرت؛ ۱۳۹۲: ۶۳). در نهایت همزیستی مسالمت آمیز یا همزیستی مذهبی فکر اصیل اسلامی است که آیات متعددی از قرآن کریم به صورتهای گوناگون با تاکید و صراحت کامل بدان سفارش کرده و این در حالی است که چهارده قرن قبل، مفهوم همزیستی مذهبی برای بیشتر به طور کامل شناخته شده نبود و قرآن کریم با تاکید فراوان مسلمانان را به آن دعوت کرد. از نظر قرآن کریم جنگ مذهبی و ستیز به سبب اختلاف عقیده به صورتی

که پاره ای از مذاهب دیگر نشان می دهد (مانند جنگ های صلیبی مسیحیت) معنا ندارد. کینه توزی و دشمنی با پیروان ادیان دیگر ممنوع است.

همان گونه که ذکر گردید از بررسی و تأمل در همه آیات مربوط به جنگ و صلح بدست می آید که اصل اولی در رفتار دولت اسلامی با دولت و گروه های غیر مسلمان پس از دعوت آنان به اسلام و نپذیرفتن آن از سوی ایشان، صلحی عزتمند است. از دید آیات مذکور جنگ امری استثنایی و خلاف اصل است و مادامی که اسباب و عوامل جنگ عارض نشده، صلح و همزیستی برقرار است. بر اساس آیات صلح، اسلام با صلح مخالف نیست و {...} اسلام هیچ گاه به پیروان خود اجازه قتل و کشتار غیر مسلمانان را تنها به دلیل کفرشان نمی دهد و وجود عقاید مخالف را تا جایی که در حد عقیده باقی بماند، مجوزی برای رفتار خصمانه نمی داند. بنا براین جنگ موافق با دیدگاه اسلام نیست و امری استثنایی و خلاف اصل است و مادامی که انگیزه و اسباب و عوامل جنگ عارض نشده صلح برقرار است (اخوان کاظمی؛ ۱۳۹۲: ۱۰۲). زیرا خداوند ج در ایه ۲۹ سوره کهف می فرماید: فمن شاء فلیومن و من شاء فلیکفر. ترجمه: پس هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد انکار می کند. هم چنان خداوند ج در آیه ۲۵۶ سوره بقره مهربانی می کند که: لا اکراه فی الدین. ترجمه: در دین هیچ اجباری نیست. و نیز آیه ۶۱ سوره انفال به این مسئله تاکید دارد که: و ان جنحوا للسم فاجنح لها. ترجمه: و اگر به صلح گرایدند تو {نیز} به آن گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست. از آیات فوق استنباط می شود که: اول ایجاد عقیده در نهاد آدمی هرگز با تحمیل و زور سازگار نیست و دوم، پیامبر (ص) در روابط و تحقق رسالت

و سیاست خویش با خشونت و ناسازگاری بیگانه است (اخوان کاظمی؛ ۱۳۹۲: ۱۰۱). همچنان باید خاطر نشان کرد که حتی یک آیه را نیز نمی‌توان در قرآن عظیم‌الشان یافت که دلالت یا اشارتی به آن داشته باشد که باید به جنگ برخاست و با کشتار مردم را مجبور کرد به اسلام بگردند و به اکراه ایمان آورند (بیگدلی؛ ۱۳۹۳: ۶۱).

ب- سنت پیامبر (ص) صلح و همزیستی مسالمت آمیز

سنت در لغت بر آنچه (طریقی) که انسان برای خود در زندگی اتخاذ می‌کند اطلاق می‌شود خواه این طریقه ای که در زندگی اتخاذ نموده پسندیده باشد یا ناپسند.

از دید فقها سنت به هر حکم شرعی ای که برای انجام دادن آن ثواب و برای انجام ندادن آن گناه و عقابی نیست گفته می‌شود. با این تعریف سنت یکی از احکام خمسسه ی تکلیفی می‌باشد. اما اصولیون به این باور هستند: هر آنچه که از رسول خدا اعم از قول و فعل و تقریر صادر شده را سنت گویند. و در مورد صفات اختلاف وجود دارد. هر کس به این سه مورد (قول و فعل و تقریر) بسنده کند دلیلش این است که صفات اموری شخصی و طبیعی اند و داخل در تشریح و تکلیف نمی‌شوند. و هر کس صفات را داخل در تعریف کند دلیلش این است که این صفات مربوط به اخلاقیات مثل حلم و صبر و سخاوت و.. است پس برای تربیت آراستن به چنین صفاتی لازم است. عده ای از علمای شریعت اسلامی سنت را بر طریقه ی پیامبر و خلفای راشدین و صحابه ی کرام در شئون مختلف زندگی اطلاق کرده اند. که به این معنا سنت در مقابل بدعت قرار می‌گیرد و بدعت امری است که در زمان پیامبر و خلفای راشدین و صحابه وجود نداشته

باشد. و سنت به این معنی نزدیکتر به مدلول لغوی عام در اصطلاح شرعی است (قیصری؛ ۱۳۹۳: نشر الکترونیکی). صلح و همزیستی مسالمت آمیز در اسلام را نیز می‌توانیم بر اساس تعاریف و تعبیری که از سنت ارایه کردیم، به بررسی می‌گیریم، هدف اصلی این است که نشان دهیم، جایگاه صلح و همزیستی مسالمت در عملکرد و گفتار پیامبر اسلام (ص) نیز از ارزش ویژه‌ای برخوردار است.

علاوه بر آیات متعدد قرآن عملکرد پیامبر اکرم (ص) نیز بر همزیستی مسالمت آمیز تأکید می‌کند. پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه در حدود شش سال درگیر جنگ با دشمنان اسلام اما به محض اینکه دولت خویش و دارالاسلام را نسبتاً ایمن یافت، راهبرد صلح و همزیستی مسالمت آمیز را دنبال کرد که نمود عینی آن پیمان صلح حدیبیه است (اخوان کاظمی؛ ۱۳۹۲: ۱۰۳). سیره نبی مکرم اسلام (ص) در تمامی دوران رسالتشان بیان‌گر صلح خواهی ایشان است، به عنوان مثال در زمان فتح مکه اهالی مکه که از سخت‌ترین فشارها بر پیامبر و اصحابش دریغ نکردند مورد لطف قرار گرفتند و رسول خدا (ص) با ایشان رفتاری کریمانه داشت. ایشان در خطابه‌ی در آن زمان داشتند، خطاب به اهل مکه فرمودند: شما عقیده دارید که من با شما چه رفتاری انجام می‌دهم؟ گفتند: تو برادر کریم و برادرزاده کریم ما هستی رسول خدا فرمود: بروید که همه‌تان آزادید (افتخاری و سیرت؛ ۱۳۹۲: ۵۸). هم‌چنان پیامبر (ص) به عنوان یک قاعده کلی انسانی می‌فرماید: الصلح جایز بین الناس یعنی صلح میان انسان‌ها امری روا است. و نیز می‌فرماید: کسی که برای تحقق صلح بین دو تن قدم بردارد، فرشته‌گان الهی بر او

درود می فرستند، تا آنگاه که بازگردد و ثواب شب قدر به او اعطا می گردد) (جمشیدی؛ ۱۳۹۶: ۷).

نتیجه گیری

شعار توحید همه‌ی مسلمین جهان لاله‌الاله است. اگر به این شعار دقت کنیم درمی یابیم که برای رسیدن به شناخت واقعی «الله» ج باید سایر اله‌های عالم را نفی بنماییم. پیامبران آمدند تا در جامعه ایجاد وحدت نمایند و برای ایجاد این وحدت ناگزیر از نفی شرک بودند؛ یعنی یک نفی مطلق و پس از آن یک اثبات محض. دو مفهوم جنگ و صلح نیز دقیقاً همین گونه‌اند. در پاسخ به این سوال که کدام یک از این دو مفهوم اصالت دارند یا به عبارت دیگر کدام یک اصل و کدام یک فرع آن است، باید به طور مختصر و موجز گفت که: صلح اصالت دارد و جنگ برای رسیدن به آن است.

صلح و همزیستی مسالمت آمیز از شاخص ترین آموزه‌های دینی است که از آوان شکل گیری حکومت و دولت اسلامی در مدینه منوره (یثرب) تا روزگار طلایی تمدن اسلامی، رکن اساسی و پایه گذار این تمدن با شکوه جهانی در ابعاد مختلف آن بوده است. و یکی از شاخص‌های تفاوت دین مقدس اسلام با سایر ادیان الهی دانسته می‌شود. به دلیل موجودیت آموزه صلح و همزیستی مسالمت آمیز، تمدن اسلامی از سایر تمدن‌های دینی و غیر دینی، مجزا، متفاوت و از جایگاه ویژه‌ی برخوردار است.

از بررسی و مطالعه همه‌جانبه قرآن عظیم‌الشان بخوبی می‌توان استنباط کرد که خداوند ج هیچ‌گاهی بندگان را مجبور به جنگ و پشت پا زدن به صلح نکرده است. همیشه و در همه‌ی موارد تأکید اسلام بر صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز بوده است. جنگ به عنوان یک پدیده استثناء و ناشی از مجبوریت و آن هم به هدف رسیدن به صلح پایدار و نهایی در جهان، مطرح است. همچنان پیامبر اسلام ص نیز تأکید به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز نموده است. این ادعاء نه تنها در گفتار پیامبر ص واضح و با صراحت تمام آشکار است، بلکه در رفتار پیامبر اسلام ص نیز به خوبی قابل درک و تأمل است. هیچ انسان عاقل و دانای نمی‌تواند احادیث و روایت‌های پیامبر ص را در راستای نهادینه سازی صلح، زیست باهمی و مبارزه با پدیده خشونت و جنگ و از میان برداشتن آنها، نا دیده بگیرد. پیمان عقبه اول و دوم، منشور مدینه، صلح حدیبیه و انعقاد پیمان‌های متعدد با سران قبایل و دعوت جهان غیر اسلام به اسلام با فرستادن نامه و سفیر، نشانه رویکرد صلح خواهانه پیامبر ص در رفتارش با غیر مسلمانان است.

باور این که اسلام دین خشونت، ستیز، جنگ و کشمکش است، از نظر بنده ناشی از دوعلت است: اول ادعای آنان مبنی بر این که اسلام دین خشونت است ناشی از بغض، کینه، عداوت، تنگ نظری و شاید هم فکر ضعیف و کم‌توان آنها باشد. و دوم شاید به دلیل ناآشنایی شان و عدم مطالعه دقیق و بررسی همه‌جانبه شان از دین مقدس اسلام باشد.

با مطالعه و بررسی علمی و دقیق متون و مقالات موجود علمی - دینی دریافتم که در اسلام، دین صلح است. صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز از جایگاه و مقام

ویژه‌ای نزد خداوندج و پیامبرش برخوردار است. و در آیات متعدد قرآنی و احادیث بی شمار نبوی، مسلمانان تشویق به صلح و زیست باهمی شده اند. و تأکید شده است تا حد ممکن از جنگ و عداوت دوری جویند.

منابع

1. قرآن کریم.
2. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۲). دیپلماسی و رفتار بین‌المللی در اسلام. تهران: نشر سمت.
3. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۹۳). اسلام و حقوق بین‌الملل، چاپ یازدهم. تهران: انتشارات گنج‌دانش.
4. افتخاری، اصغر و حسین محمدی سیرت. (۱۳۹۲). صلح و سلم در قرآن کریم. دوفصلنامه پژوهشی مطالعات و قرآن و حدیث. سال ششم، شماره دوم، و بهار و تابستان ۱۳۹۲. نسخه الکترونیکی.
5. توریال، گران. (۲۰۱۲). اسلام و تنظیم امور اجتماعی. سویدن: نشریه انترنتی پیام وطن، نسخه الکترونیکی.
6. جعفری، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). نقش صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در بازآفرینی حرکت احیاء گرانه اسلامی، با تکیه بر نظرات امام خمینی. فصلنامه ژرفا پژوه، سال سوم، دفتر دوم و سوم، تابستان و پاییز ۱۳۹۵. نسخه الکترونیکی.
7. جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۹۶). بررسی و تبیین مقوله صلح در نظریه شهر صلح فارابی و نظریه صلح پایدار کانت. جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶. نسخه الکترونیکی.

8. قیصری، ادریس. (۱۳۹۳). سنت چیست؟ مراتب سنت و اقسام آن. قابل

دسترس در <http://eslahe.com/14222/>

9. حسینی، علی آقا. (۱۳۸۹). همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه اسلام.

قابل دسترس در

10. <http://www.yaserziaee.blogfa.com/post/176>

جایگاه صلح در اسلام و اهمیت آن در افغانستان

پوهنمل امین الدین مظفری

دانشکده شرعیات، دانشگاه البیرونی

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ
رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَىٰ جَمِيعِ أَنْبِيََاءِ اللَّهِ وَمَلَائِكَةِ اللَّهِ
وَرَضِيَ اللَّهُ عَنِ الصَّحَابَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَعَنِ التَّابِعِينَ لَهُمْ فِي دِينِ اللَّهِ. وبعد:

قال الله تعالى: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (سورة الحجرات

(۱۰)

ترجمه: در حقیقت، مومنان با هم برادرند پس میان برادرانتان صلح و سازش

نماید.

چکیده

یکی از حقایق انکار ناپذیر این است که، بحکم آیه کریمه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (1: البقرة: 213) صلح و آرامش حالت اصلی جامعه بشری و نزاع، کشمکش و اختلاف حالت عارضی و استثنائی آن است، ازین رو دین مقدس اسلام به ویژه آیات و روایات، قضیه صلح و آشتی را در سلك برنامه های طراز اول خویش قرار داده و با در نظر داشت اینکه صلح و آرامش از جمله مسائل اساسی و ریشه

داری است که با روح و طبیعت اسلام عزیز رابطه و پیوند ناگسستنی دارد و اسلام عزیز نسبت به همه ادیان، مکاتب و اندیشه ها به آن زیاده تر تمرکز نموده و بشریت را در سطوح مختلف به سوی آن فرا خوانده و به اعمال و بهره برداری از آن تحت عنوان « وَالصُّلْحُ خَيْرٌ » (1: النساء : 128) تشویق و ترغیب نموده است، خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید به دفعات مسلمانان را به اصلاح و ایجاد صلح بین مردم امر فرموده و آنها را در اختلافات بین خودشان، توصیه و سفارش به مصالحه کرده و صلح را برتر و بهتر معرفی کرده است در واقع خداوند متعال هم به اصلاح و ایجاد سازش مسلمانان را امر کرده است و هم طرفین اختلاف و منازعه را به سازش و مصالحه توصیه و سفارش نموده است. پژوهش ها نشان می دهد که جهت توضیح و تشریح همین حقیقت صورت گرفته است، بیانگر آن است که از دید آیات و روایات، قضیه صلح و آشتی یک قضیه جامع و همه شمول بوده، از یکطرف وجیه طرفین نزاع و اختلاف است تا به نداء صلح و آشتی لبیک گفته و قضایای مورد تنازع را اعم از اینکه مدنی باشند و یا جزائی از طریق همین شیوه معقول، منطقی، کم هزینه، رافع نزاع و قانع ریشه های خصومت و غیرزمان گیر حل و فصل نمایند، و از طرف دیگر با در نظر داشت معیاریت مسئولیت اجتماعی، وجیه و تکلیف افراد بیرون از حیطه و دایره تنازع و اختلاف است، تا با امتثال از دستاورد الهی « فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا » (1: الحجرات : 9) و الهام گیری از دعای ابراهیمی « رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا » (1: البقرة : 126) و پیروی از سنت محمدی « صلح حدیبیه » و تأسی از آثار اصحاب کرام « رُدُّوا

الْخُصُومَ حَتَّى يَصْطَلِحُوا فَإِنْ فَضِّلَ الْقَضَاءُ يُحْدِثُ بَيْنَ الْقَوْمِ الصُّغَائِنَ» (9: 6 / 66)

جهت رفع نیازمندی های جامعه بشری به ویژه کشورهای که همیشه نزاع و اختلاف از ایشان قربانی میگردد مانند کشورما، بحيث افراد حقیقی و یا حکمی به عنوان مصلح، حکم، میانجی، خیرخواه و خیراندیش، با استفاده وبهرگیری از امکانات دست داشته دراصلاح و ایجاد صلح میان طرفین نزاع اعم از: افراد، خانواده ها، گروه های متجانس و غیرمتجانس، پرداخته و در ایجاد و تشکل جامعه عاری از خشونت و نزاع سهیم شوند.

در واقع صلح در معارف اسلامی به معنای زدودن اختلاف و نزاع بین افراد، خانواده ها و گروه های از مردم، آشتی دادن آنها و ایجاد صلح و سازش و دوستی بین آنها است که جامع ترین تعریف فقهی و حقوقی آن این است که (صلح عقدیست که نزاع را رفع و خصومت را به اساس رضایت طرفین قطع مینماید) که دین مقدس اسلام در آیات و روایات متعددی به توضیح و تشریح آن پرداخته و برتأمین و برقراری آن تأکید نموده است، که اینک در ادامه این تحقیق و پژوهش نخست، تعدادی از آیات مربوط به صلح را مطالعه و بررسی نموده و به بررسی برخی از روایات از پیامبر بزرگوار اسلام، اصحاب کرام، تابعین و ائمه دین، در این مورد پرداخته و سپس اهمیت صلح و آشتی را در کشور عزیزمان افغانستان مورد تحقیق و مطالعه قرار خواهیم داد.

کلید واژه: صلح، جایگاه، اسلام، اهمیت، افغانستان

بخش اول

جایگاه صلح از دیدگاه اسلام

در ذیل همین عنوان جایگاه صلح را در پرتو چهار منبع اسلامی یعنی آیات قرآنی، سنت نبوی، آثار اصحاب و اقوال فقهاء به کاوش میگیریم.

i. صلح و اصلاح ذات البین در آیات قرآن کریم

خداوند تعالی در قرآن مجید بار بار مسلمانان را به اصلاح بین مردم امر فرموده و آنها را در اختلافات بین خود توصیه و سفارش به مصالحه کرده و صلح را برتر و بهتر معرفی کرده است. در واقع خداوند متعال هم به اصلاح و ایجاد سازش، مسلمانان را امر کرده است و هم طرفین اختلاف و منازعه را به سازش و مصالحه توصیه و سفارش نموده است، که اینک هریک را مورد پژوهش قرار میدهیم.

اصلاح و ایجاد سازش: قرآن کریم در آیه نخست سوره انفال، همراه دستور به تقوای الهی به صراحت به اصلاح ذات البین دستور میدهد، چنانچه فرموده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» [1: الأنفال: 1] یعنی از (مخالفت دستور) خداوند پرهیزید و اختلافات بین خود را اصلاح و آشتی دهید.

این آیه در مورد اختلاف و مشاجره ای که بین بعضی از مسلمانان درباره نحوه تقسیم غنائم جنگی (پس از جنگ بدر) پیش آمده بود، نازل شده است. در ابتدا حکم مالکیت غنائم جنگی بیان شده و غنائم جنگی از آن خداوند متعال و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عنوان شده است. در ادامه به مسلمانان دستور

داده است که تقوای الهی را پیشه نموده و بین خود صلح و آشتی برقرار کنند. حقیقت این است، که بر مبنای قواعد و معیارهای علم تفسیر، این دستور اگرچه موردش خاص است اما حکم آن کلی و عام است و اختصاصی به اختلافات در مورد غنایم جنگی ندارد و در هر موضوعی که بین دو نفر یا دو دسته (یا بیشتر) از مسلمانان اختلاف و نزاع پیش آید، بر مسلمانان است که بین آنها صلح و دوستی برقرار کنند، زیرا که بین مفسران قاعده معروفی است « العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب » (25: 1\82) یعنی در آیات قرآنی عمومیت لفظ مداراعتبار است نه خصوصیت سبب و مورد. بنا بر این طبق دستور الهی هر گاه بین دو یا چند نفر مسلمان اختلاف، نزاع، مشاجره و خصومتی پیش آید، اولاً باید تقوا پیشه گیرند که در این حالت تقوا به معنای دوری از نزاع و خصومت و تفرقه است؛ ثانیاً دیگر مسلمانان باید در رفع اختلافات آنها کوشش کرده و بین آنها اصلاح کنند. در جای دیگر خداوند متعال در صورتی که کار دو گروه از مؤمنان به نزاع و جنگ کشیده شود، فرمان و دستور به آشتی دادن آن دو گروه داده میفرماید: « وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا » [1: الحجرات: 9] یعنی هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آن دو را با هم آشتی دهید و بین آن دو صلح برقرار نمایید. البته این حکم تنها اختصاص به کارزار و جنگ ندارد، بلکه موارد غیر جنگی را نیز در بر می گیرد و شامل هر نوع درگیری، منازعه و حتی مقدمات آن می شود. بنابراین در مواقعی که اختلاف هنوز منجر به جنگ و درگیری نشده و در حد مشاجره و بگومگو

است و در واقع به سوی جنگ و نزاع کشیده می شود، باید بین این دو گروه اصلاح نموده و صلح و آشتی برقرار کرد.

شأن نزول این آیه مربوط به مشاجره لفظی و درگیری با چوب و کفش و دست بین دو دسته از مسلمانان بوده و به مرحله جنگ و خونریزی نرسیده بوده که آیه فوق نازل شد. (12: 26/237) بدیهی است اصلاح و آشتی دادن در صورتی است که دو طرف نزاع، تمایل به صلح و آشتی داشته باشند (داوطلبانه به صلح تن دهند). اما اگر یکی از دو گروه خواهان صلح و آشتی نباشد و بر گروه دیگری تجاوز کند، در این صورت چاره ای نیست جز اینکه جلو ظلم و تجاوز گروه متجاوز گرفته شود و در اینجا است که قرآن کریم می فرماید: «فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» [1: الحجرات: 9] یعنی اگر یکی از آن دو گروه به گروه دیگر تجاوز نمود با گروه متجاوز نبرد نمایید تا به فرمان الهی باز گردد.

در این صورت اگر گروه متجاوز به فرمان الهی بازگشت و تسلیم حکم خدا شد و زمینه صلح و آشتی ایجاد شد، باز باید بین آنها صلح و آشتی برقرار کرد، این اصلاح و برقراری صلح و آشتی باید روی موازین عدل و انصاف باشد؛ یعنی اگر در این نزاع و درگیری هرگونه حقی از دو گروه پایمال یا خونی ریخته شده که منشأ درگیری و نزاع شده باشد، باید جبران و اصلاح شود تا اصلاح عادلانه و از روی عدالت باشد. (12: 26/238 و 18: 351) چنانچه فرموده است: «فَإِنْ فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»

[1: الحجرات : 9] یعنی، پس اگر بازگشت، میان آنها به انصاف و عدل سازش دهید.

قرآن کریم در ادامه به بیان حکمت انجام این وجیه و مسئولیت پرداخته و می فرماید : « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ » [1: الحجرات : 10] یعنی مؤمنان برادر یکدیگرند، پس بین دو برادر خود صلح و آشتی برقرار کنید .

قرآن کریم با این حکم کلی، فلسفه اصلاح بین دو گروه متخاصم را بیان می کند و می فرماید مؤمنان همه برادر یکدیگرند و در صورتی که دو فرد یا دو دسته از مؤمنان بر سر هر چیزی (اگرچه کوچک باشد) با هم اختلاف پیدا کردند، از یک طرف این دو با هم برادر هستند و از طرف دیگر، شما هم برادر آنها هستید . در جامعه اسلامی باید همه خود را با هم برادر بدانند، چه آنانی که با هم اختلاف دارند و چه دیگران و افرادی که قادر به حل اختلافات آنان و ایجاد صلح و آشتی بین آنها هستند . البته افراد مصلح و آشتی دهندگان، باید از جانبداری و عدم رعایت عدالت پرهیز کنند و تقوای الهی را پیشه کنند تا مشمول رحمت الهی شوند . بنابراین اصلاح عادلانه و از روی عدالت در منازعات و تجاوزات اشخاص جامعه علیه یک دیگر، این است که حق ستم دیده (متضرر و قربانی) به او باز پس داده شود و خسارتهای وارد شده بر او جبران شود. بر این اساس در فرایند اصلاح ذات البین متجاوز (معجرم) باید خسارات وارد شده بر ستم دیده (متضرر و قربانی) را ترمیم و جبران کند. به طور کلی هر

گونه خسارتی که از تجاوز و تعدی (ارتکاب جرم) ایجاد شده است باید جبران و ترمیم شود .

البته قضیه اصلاح ذات البین از چنان اهمیتی در قرآن کریم برخوردار است که در چندین مورد باعث تغییر حکم بعضی اعمال شده و یا به عبارت دیگر دلیل لزوم اصلاح ذات البین بر دلیل حرمت آن اعمال حکومت دارد و حکم اصلاح ذات البین در آن موارد بر حکم حرمت آن اعمال پیشی می گیرد و حکم آن عمل تغییر می کند که برخی این موارد قرار ذیل اند

1. قرآن کریم در مورد نجوا و سخنان سرگوشی در حضور جمع، از یک سو نجوارا از ناحیه شیطان معرفی می کند «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ» [1: المجادلة : 10] واز سوی دیگر می فرماید: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ» [النساء : 114] یعنی، در بسیاری از سخنان سرگوشی خیر و سودی نیست. ودر عین حال اگر نجوا در کار نیک و تقوا باشد، نه تنها آن را ازین حکم استثناء نموده بلکه از آن تقدیر و ستایش کرده میفرماید: «إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» [1: النساء : 114] یعنی، مگر برای توصیه به کمک دیگران (صدقه) یا انجام کار نیک یا اصلاح بین مردم باشد و کسی در جهت خشنودی خدا اوند تعالی چنین کند، پاداش بزرگی نزد خداوند متعال خواهد داشت.

بنا بر این در صورتی که نجوا در جهت اصلاح ذات البین باشد، نه تنها ممنوع نیست بلکه ممدوح نیز است و پاداش الهی دارد. افزون بر این اصلاح بین مردم از مصادیق کار نیک، تقوا و در کنار امر به معروف و صدقه قرار گرفته است.

2. همچنان وفا به قسم لازم و شکستن آن حرام و موجب مؤاخذه بر آن است، الله تعالی فرموده است: «لَا يُؤْخَذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّعْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤْخَذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ حَلِيمٌ» [البقرة: 225] یعنی، خداوند شما را به خاطر سوگندهائی که بدون توجه یاد می کنید (و از روی عادت، نه از روی قصد و نیت از دهان می پرد) مؤاخذه نخواهد کرد (و کفارّه یا عقاب بر آن مترتب نیست) ولیکن شما را در برابر آنچه دلهايتان کسب کرده است (و از روی اراده و اختیار بوده است) مؤاخذه می کند (و کفارّه یا عقاب بر آن مترتب است)، و خداوند آمرزنده و برده بار است (و گناهان را می بخشد و لغزشها را نادیده می گیرد و در رساندن عقاب شتاب نمی ورزد) لکن در جهت اصلاح ذات البین شکستن قسم روا و در مواقعی لازم می شود. قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» [البقرة: 224] یعنی، خداوند را وسیله سو گندهای خود قرار ندهید تا از کار نیک، تقوا و اصلاح میان مردم بازمانید. یعنی سوگند به نام خداوند تبارک و تعالی را مانع انجام کار نیک و تقوا و اصلاح ذات البین قرار ندهید. در این آیه نیز اصلاح ذات البین در ردیف کار نیک و تقوا قرار گرفته است.

پذیرش مصالحه و سازش : قرآن کریم، علاوه بر اینکه دستور به اصلاح ذات البین به عموم مردم می دهد، به خود طرفهایا اختلاف و درگیری نیز توصیه به تن دادن به صلح، مصالحه و آشتی، و پذیرش آن نموده و ایشان را تشویق و ترغیب می دارد تا گزینه اصلاحی را نسبت به گزینه انتقامی و کیفری برتری و ترجیح دهند. چنانچه، قرآن کریم در تجاوزات و تعارضات علیه تمامیت جسمانی اشخاص بعد از بیان حکم قصاص در این تعدیات قضیه آشتی، صلح و گذشت از قصاص را از طرف صاحب حق قصاص، مطرح کرده است، خداوند تعالی می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَهُوَ عَذَابٌ أَلِيمٌ » [1: البقرة: 178] یعنی، ای افرادی که ایمان آورده اید حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما مقرر شده است، ... پس در صورتی که ولی دم با قاتل آشتی نماید و قاتل از جانب برادر خود (یعنی ولی دم) از قصاص بخشیده شود، ولی دم باید در گرفتن خونبها از روش نیکو و پسندیده پیروی نموده و حال قاتل را در نظر بگیرد و قاتل هم خونبها را با نیکوی و خوبی و خوشی به ولی دم بپردازد، این حکم، تخفیف و رحمت از جانب پروردگار شما است.

پس میتوان گفت که بدون شك در منازعات و کشمکش ها و ارتکاب پدیده های منحوس جرمی افسار آسب پذیر، یا افراد میباشد و یا خانواده ها و یا گروه های

متجانس {دارای یک اعتقاد و باور} و یا هم گروه های غیر متجانس {دارای اعتقاد و باور مختلف} که در هر چهار مورد در آموزه های والای قرآنی سفارشات صورت گرفته است که اینک بادر نظر داشت موارد آن در آیات و دستورات قرآنی هریک از این موارد چهارگانه را طی عنوان جداگانه ای ذیلاً به مطالعه و بررسی میگیریم.

1. صلح، سازش و آشتی بین افراد: در مورد اصلاح بین افراد الله جل جلاله میفرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» [1: الأنفال : 1] یعنی از خدا بترسید و در اصلاح میان خود بکوشید و از خدا و رسول خدا پیروی کنید اگر هستید ایمانداران. درین آیه کریمه از یکطرف دستور اصلاح و سازش بین افراد صادر شده است و از طرف دیگر، استفاده از صیغه امر و قرار گرفتن این دستور در کنار دستورهایی چون دعوت به تقوا و اطاعت از خدا و رسول، بیانگر اهتمام قرآن به پیاده شدن این برنامه {صلح و عدالت ترمیمی} در میان امت اسلامی میباشد.

2. صلح، سازش و آشتی خانواده: خداوند جل جلاله در مورد صلح و سازش خانواده چنین می فرماید: «وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» [1: النساء : 128] یعنی و اگر زنی از بدسلوکی یا دوری گزینی شوهرش بیم داشت، باکی نیست که هر دو به راه صلح و سازش در آیند که صلح و آشتی بهتر از نزاع و کشمکش است. در این دستور نیز پروردگار متعال با سفارش به گزینش راه صلح و آشتی

، با تأکید به برتری گزینه صلح و صفا {ضمن سه بار تذکر از آن در آیه
مختصری} بردیگر گزینه ها ، توجه بشریت را برانتخاب این گزینه جلب
کرده ، آن را مایه خیر و برکت زندگی انسان ها می داند .

همچنین در همین مورد می فرماید: «وَأِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِ
وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» [1:
النساء : 35] و اگر ترسیدید خلاف بین زوجین را پس مقرر کنید حکمی از کسان
مرد و یک حکم از کسان زن اگر بخواهند اصلاح را، موافق میکند خداوند آنان
را هر آینه خدا هست دانا و باخبر. در این آیه کریمه اشاره به یک سلسله اساسات
و معیارهای صلح و عدالت ترمیمی که عبارت اند از: توافق طرفین و یا موافقت
جانین ، حکمیت و میانجی گری، بی طرفی تسهیل کننده گان و غیره صورت
گرفته است، که این همه بیانگر آن است که قرآن کریم و آموزه های دینی جلوتر
از همه به نهادینه شدن فرهنگ صلح و معیارهای مورد نیاز آن بذل توجه داشته
است، چنانچه تفسیر معارف القرآن در ادامه تفسیر آیه فوق چنین نگاشته: حضرات
فقهای کرام فرموده اند: که برای اصلاح یکدیگر، تجویز فرستادن دو حکم، تنها
در تنازعات دو همسر محدود نمی گردد، بلکه میتوان در تنازعات دیگر هم از آن
کار گرفت و باید گرفت به ویژه وقتی که متنازعین باهم خویشاوند باشند، زیرا که
بوسیله قضاوت دادگاهها، تنازعات موقتاً خاتمه می یابند ولی آن قضاوت در دلها
تخم عداوت و کدورت می کارد، که بعداً به صورت های بی نهایت ناگواری
ظاهر می گردند، باد نظر داشت همین پیامد ناگوار، حضرت عمر فاروق رضی الله

عنه برای قضات خود چنین فرمانی صادر کرده بود: «رَدُّوا الْقَضَاءَ بَيْنَ ذَوِ الْأَرْحَامِ حَتَّى يَصْلَحُوا فَإِنَّ فَصْلَ الْقَضَاءِ يورث الضغائن» (17: 303\8) یعنی پرونده خویشاوندان را در بین خود آنها برگردانید تا صلح و آشتی نمایند، زیرا که قضاوت قاضی سبب ایجاد کینه و عداوت در دلها میشود.

3. صلح و سازش میان دو گروه متجانس: الله جلت عظمته در مورد

صلح و سازش میان دو گروه متجانس میفرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ ت فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» [الحجرات: 9] یعنی و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو اصلاح کنید و اگر باز یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن که تعدی می کند بجنگید تا به حکم الله باز گردد پس اگر باز گشت، میان آنها به انصاف و عدل سازش دهید» یعنی: اگر دو گروه از مسلمانان با یکدیگر درافتادند و جنگیدند، بر مسلمانان دیگر لازم است که به صلح و سازش در میان آنها سعی کنند و آنها را به سوی حکم خداوند فراخوانند ولی اگر بعد از این تلاش برای صلح، از سوی یکی از آن دو گروه، تجاوز و تعدی ای بر دیگری سر زد و آن گروه صلح را نپذیرفت و به آن گردن نهاد بلکه خواستار چیزی شد که از حق وی نیست در این صورت، بر مسلمانان لازم است تا با این گروه سرکش و باغی بجنگند تا به سوی امر خداوند و حکم وی باز گردد و امر و حکم خداوند همانا بر پاداشتن صلح و برادری و از بین بردن کینه و

دشمنی در میان مسلمانان است و اگر آن گروه از بغی و تجاوز خویش بازگشت و دعوت به سوی کتاب خداوند و حکم وی را اجابت گفت، دیگر از تعرض مصون است و در هر حال، بر مسلمانان است که در حکم نمودن میان آن دو گروه، عدالت کرده و جویای حکم و داوری‌ای باشند که صواب است و با حکم الهی مطابق می‌باشد لذا باید دست گروه ظالم را بگیرند تا از ظلم خویش برگردد و تکلیفی را که برعهده‌اش در قبال گروه دیگر واجب است، ادا کند. «و عدالت کنید» در حکم نمودن میان آنها «که خدا دادگران را دوست می‌دارد». در این آیه نیز خداوند مهربان با استفاده از واژه دستوری «فاصلحوا» اهمیت عمل مقدس صلح جویانه، پیوند دهنده و ترمیمی را متذکر شده است.

4. صلح و سازش میان دو گروه غیرمتجانس: در مورد صلح و سازش و آشتی میان دو گروه غیرمتجانس خداوند جل جلاله میفرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَحْ لَهَا تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ وَسَمِعُ الْعَلِيمِ» [1: الأنفال: 61] اگر مایل باشند به سوی صلح پس توهم مایل باش به آن و اعتماد کن بر خدا یقیناً او شنوا و دانا است. درین ایه کریمه بر اصل داوطلبی و تن دادن به آشتی و سازش با طیب خاطر طرفین و عدم نگرانی از پیامد آن اشاره شده است.

و در آیه دیگری خدای مهربان، انسان‌ها را بر حذر می‌دارد از اینکه به خدا سوگند بخورند تا کارهای نیک انجام نداده، پرهیزگار نبوده و اصلاح‌گر میان مردم نباشند چنانچه فرموده: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِّإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبْرُوا وَتَقْتُلُوا وَتَصَلِحُوا بَيْنَ

النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [1: البقرة: 224] وقراندهید نام خدا را هدفی برای قسم خوردن خود که از حسن سلوک و پرهیزگاری و اصلاح بین مردم کناره گیرید و الله همه چیز را می شنود و می داند. یعنی چنین سوگندهای بنام خدا یاد نکنید که ما این کارهای نیک را انجام نمی دهیم. (19: 273\7) چنانچه طاوس رحمه الله در تفسیر این آیه فرموده است: {مقصود این آیه این است که آنگاه که برای ایجاد صلح و سازش میان دونفر دعوت شدید، نگوئید: من سوگند خورده ام که در این گونه امور دخالت نکنم} (15: 622\2) این آیه هرچه بیشتر جایگاه اصلاح و اصلاح گری میان مردم را نشان می دهد

پس در یک کلام میتوان گفت که جایگاه و منزلت عدالت ترمیمی {صلح و آشتی} را در قرآن عظیم الشان و آموزه های دینی را میتوان ازین دریافت نمود که واژه {صلح} با سائر مشتقات اش در {25} صیغه و وزن در {180} آیه قرآنی ذکر شده و اکثر کتب تفسیر، حدیث و فقه اسلامی در جریان تحلیل و تجزیه مسائل مدنی، جزائی و جنایی از آن بحث نموده اند.

ii. اصلاح ذات البین در سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم

البته در مورد صلح و آشتی در سنت گرانمایه پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب کرام رضی الله عنهم، که حاوی و دربرگیرنده، گفتار و کردار شان میباشد دستورات و عملکرده های زیادی وارد شده است که این مختصر گنجایش تذکر از همه آنها را نداشته بنأبه اساس قاعده (مالایدرک کله لایترک کله) به ذکر چندی نمونه ای از آن در هر دو بخش قولی و فعلی اکتفاء مینمایم.

بخش قولی (گفتاری): پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ لَا أَقُولُ لَكُمْ: تَحْلِقُ الشَّعْرَ، وَلَكِنْ تَحْلِقُ الدِّينَ. » (13: 780\4) یعنی رسول خدا (ص) فرمودند: آیا شما را از کاری که درجه آن بهتر از درجه روزه و نماز و زکات است آگاه نگردانم؟ یاران گفتند: چرا یا رسول الله! فرمودند: این کار اصلاح ذات البین است زیرا فساد ذات البین تراشیده است، نمی گویم تراشیده موی است؛ بلکه تراشیده دین است. چه تعبیری رساتر و واضح تر از اینکه اصلاح بین مردم و ایجاد صلح و دوستی بین آنان در رتبه روزه و نماز و زکات است و در مواقعی از نماز و روزه و زکات هم با ارزشتر می شود.

اصلاح ذات البین باعث رفع کشمکشها و دشمنی ها و کینه ها است. دشمنی، کشمکش و کینه توزی در جامعه موجب گسستگی و عدم انسجام جامعه است. به همین علت از بین بردن کینه، خصومت و منازعه، یعنی اصلاح بین طرفهای خصومت و اختلاف از چنان اهمیتی برخوردار است که در مواقعی برتر از نماز و روزه می شود.

و در سنت از اصلاح ذات البین به عنوان بهترین صدقه، یعنی کمک و یاری به مردم و افراد نیازمند، نیز یاد شده است، چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده: « إِنَّ أَفْضَلَ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ » (21: 135\1) یعنی بهترین صدقه ای که

خداوند دوست دارد، ایجاد صلح و آشتی بین مردم است هنگامی که با هم دشمن می شوند و نزدیک کردن آنها است هنگامی که از هم دور می گردند .

مسلم است که در سایه اصلاح و رفع خصومتها و اختلافها در جامعه امنیت برقرار می شود. وقتی بین قربانی جرم و مجرم، صلح و آشتی برقرار می شود، مجرم خود را فردی مطرود و رانده شده از جامعه نمی یابد و احساس همبستگی با جامعه اطراف خود می کند، که همین امر باعث پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم به وسیله او می شود.

متضرر و قربانی جرم، نیز با مصالح و آشتی با مجرم احساس آرامش پیدا می کند و خود را بازنده تلقی نمی کند و از رنج، درد و نگرانی او کاسته می شود. علاوه بر این، در سایه اصلاح ذات البین که عادلانه و از روی عدالت باشد، خسارتهای وارد شده بر او جبران می شود و از نظر روانی و عاطفی هم احساس امنیت و آرامش خاطر می کند .

به این جهت است که اسلام تا این حد به اصلاح ذات البین و ایجاد صلح بین مردم و رفع کدورتها و دشمنیها اهمیت می دهد و آن را در شرایطی برتر از نماز و روزه می داند و آن را برترین و بهترین صدقات معرفی می کند .

البته ناگفته نباید گذاشت که برای اقدام به اصلاح بین مردم اطمینان از حصول نتیجه لازم نیست و صرف تلاش و کوشش در جهت رفع خصومت، کدورت و اختلاف بین مردم فی نفسه ممدوح بوده و به آن ترغیب شده و برای فردی که

در راه اصلاح بین مردم قدم بردارد ، پاداش و ثواب فراوان مقرر شده است . از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه واله و سلم نقل شده است : « کسی که در راه آشتی دادن دو نفر قدم بردارد فرشتگان خداوند تبارک و تعالی تا زمانی که برمی گردد، بر او درود می فرستند و پاداش عبادت شب قدر به او اعطا می شود» (3: 13\163) در تأکید این مطلب در روایت دیگری خواننده می شود: « از نهایت سعادت فرد تلاش و کوشش وی در اصلاح بین مردم است» (22: 2\1622) بنابراین، خود سعی و تلاش در جهت اصلاح ذات البین مطلوب بوده و به خودی خود خوشبختی بلکه کمال خوشبختی فرد محسوب می شود

بخش فعلی (کرداری و عملی): قابل ذکر اینکه اصلاح ذات البین که نوعی رویکرد و روش ترمیمی است به حدی در اسلام ارزش دارد، که بر علاوه از ارشادات قولی، پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و سلم، از جمله مجریان و انجام دهنده گان آن به حیث مصلح و میانجی نیز بوده و عملاً در نشست های اصلاحی اشتراک ورزیده و اصلاح و سازش نموده است ، چنانچه سهل بن سعد (رض) فرموده : « أَنْ أَنَا سَا مِنْ بَنِي عَمْرِو بْنِ عَوْفٍ كَانَ بَيْنَهُمْ شَيْءٌ فَخَرَجَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَنَا سٍ مِنْ أَصْحَابِهِ يُصَلِّحُ بَيْنَهُمْ. » (8: 3\239) به این مفهوم که مردمی از قبیله بنی عمرو بن عوف نزاع و اختلافی داشتن پیامبر صلی الله علیه و سلم ، باجمعی از اصحاب رفت تا بین ایشان صلح نماید.

وهمچنان فرموده: « أَنْ أَهْلَ قُبَاءٍ اقْتَلَوْا حَتَّى تَرَامُوا بِالْحِجَارَةِ فَأَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِذَلِكَ فَقَالَ أَذْهَبُوا بِنَا نُصَلِّحُ بَيْنَهُمْ » (8: 3\240) یعنی مردم قباء بین

هم جنگ و نزاع نموده، بر یگدیگر سنگ پرتاب نمودند، از موضوع به پیامبر صلی الله علیه وسلم اطلاع داده شد، فرمود، مارا برید، تامیان ایشان صلح نمایم. وهمچنان نمونه بارز دیگری کرداری پیامبر بزرگوار اسلام صلح حدیبیه میباشد.

iii. صلح و سازش در آثار اصحاب و ائمه

همانطوریکه سنت گرانمایه پیامبر بزرگوار اسلام در هر دو بخش گفتاری و کرداری در مورد صلح دستورات و پیام های داشت، آثار گفتاری و کرداری اصحاب کرام و اقوال ائمه نیز درین راستا ارشاداتی دارند که به گونه ذیل به بررسی گرفته می شود.

بخش قولی (گفتاری): از اصحاب کرام در مورد جایگاه صلح روایاتی شده که برخی از آنها را ذیلاً مینگاریم.

1 حضرت عُمَرُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرموده است: «رُدُّوا الْخُصُومَ حَتَّى يَصْطَلِحُوا فَإِنَّ فَصْلَ الْقَضَاءِ يُحْدِثُ بَيْنَ الْقَوْمِ الضَّغَائِنَ.» (9: 66\6) یعنی خصم ها را به صلح و آشتی فراخوانید زیرا که فیصله های قضایی در بین مردم دشمنی را بارمی آورد.

2 حضرت انس (رض) فرموده است: «من أصلح بين اثنين أعطاه الله بكل كلمة عتق رقبة» (26: 74\1) یعنی هر که بین دو شخص اصلاح کند در بدل هر حرف خداوند (ج) برایش پاداش آزاد نمودن برده ای را میدهد.

3 حضرت ابو امامه (رض) فرموده است: «امش میلاً وعد مریضاً، و امش میلین و زر أحمأ فی الله، و امش ثلاثة أمیال وأصلح بین اثین» (26: 74\1) به این مفهوم که باپیمودن مساحت یک میل به عیادت مریضی و باطی نمودن فاصله دومیل به احوال پرسی برادر مسلمانی و بارفتن الی فاصله سه میل، به اصلاح بین دوشخص بیرداز.

4 قال الأوزاعی: «ما خطوة أحب إلى الله عز وجل من خطوة من إصلاح ذات البین ومن أصلح بین اثین كتب الله له براءة من النار ..» (27: 28\1) یعنی حضرت اوزاعی رحمه الله علیه فرموده است: که هیچ قدمی محبوب تر و برتر از قدمی که بخاطر اصلاح گذاشته میشود نزد خداوند(ج) نیست، کسی که بین دونفر اصلاح کند خداوند(ج) آنرا از آتش دوزخ نجات میدهد.

5 قال ابن بابویه: «إن الله أحب الكذب فی الإصلاح وأبغض الصدق فی الإفساد» یعنی خداوند(ج) دروغی را که به منظور اصلاح باشد دوست داشته و راستی را که به منظور افساد باشد زشت می پندارد.

6 محمد بن کعب القرظی رحمه الله علیه فرموده: «من أصلح بین قوم فهو كالمجاهد فی سبیل الله» شخصی که بین مردم صلح کرد مانند مجاهد در راه خداوند است.

7 قال بعض العلماء: «من أراد فضل العابدین فلیصلح بین الناس، ولا یوقع بینهم العداوة والبغضاء» (26: 74\1) یعنی برخی از دانشمندان گفته اند: هر که

میخواهد به درجه و فضیلت عبادت کننده گان دست یابد، باید به اصلاح بین دوشخص پردازد، و از ایجاد دشمنی و بدبینی بین شان اجتناب ورزد.

بخش فعلی (کرداری و عملی): درین مورد باید گفت که در هر موردی که پیامبر (ص) در فرایند های اصلاحی به گونه عملی اشتراک ورزیده اند، جمعی از اصحاب و یارانش نیز در آن اشتراک داشته اند، چنانچه در صلح حدیبیه در حدود (1500) تن از اصحاب پیامبر (ص) شرکت داشتند، و در بسا موارد سفیران صلح پیامبر صلی الله علیه وسلم اصحاب کرام بوده اند.

iv. صلح و سازش در متون فقهی

متون فقه اسلامی نیز به موضوع صلح و عدالت ترمیمی تحت عناوین مختلف مانند: صلح، عفو، توبه، دیت، جبران خساره، تشدد و سخت گیری در اثبات جرایم و... پرداخته است که درین قسمت از کاوش برخی از آن ها را به گونه ذیل طور نمونه به بررسی و مطالعه میگیریم.

در اکثر کتب فقهی مذاهب مختلف تحت عنوان (کتاب الصلح، باب الصلح و یا فصل الصلح) از صلح به عنوان یکی از جلوه های عدالت اصلاحی و یا عدالت ترمیمی بحث صورت گرفته، تعریف، ارکان، شرایط، دلایل مشروعیت، گونه های اعمال، پیامدها و حکمت و فلسفه آن مورد مذاقه و کاوش قرار گرفته است، چنانچه از فقهای احناف ابوبکر زبیدی (رح) فرموده است: صلح مشتق و گرفته شده از مصالحه بوده به معنی مسالمت پس از مخالفت میباشد، و در اصطلاح عبارت

است از توافق طرفین نزاع برقطع خصومت و دشمنی مبتنی بررضایت آنها، وبا استناد از آیات قرآنی احادیث نبوی و اجماع امت مشروعیت آن را تثبیت نموده است. (11: 232/3)

واز جمله فقهای معاصر دکاتور وهبه الزحیلی فرمود است: (والصلح مشروع بالكتاب والسنة والاجماع :أما الكتاب: فقولہ تعالیٰ: {والصلح خیر} [1: النساء:128]. وأما السنة: فهو ما روى عن النبي صَلَّى الله عليه وسلم مرفوعاً، وموقوفاً على عمر، وهو: «الصلح جائز بين المسلمين إلا صلحاً أحل حراماً أو حرم حلالاً» رواه ابن حبان وصححه وأما الاجماع: فقد أجمع العلماء على مشروعیه الصلح، لكونه من أكثر العقود فائدة، لما فيه من قطع النزاع والشقاق. ولا يقع الصلح في الغالب إلا من رتبة لما هو دونها، على سبيل المداراة للوصول إلى بعض الحق). یعنی صلح بر مبنای آیات قرآنی، سنت نبوی و اجماع امت مشروع و جایز است، زیرا خداوند (ج) صلح را بهتر شمرده ، فرموده است (والصلح خیر) و رسول الله (ص) فرموده است : صلح در همه موارد مشروع و جایز است، مگر در موردی که حلال را حرام و حرام را حلال گرداند، و علماء نیز بر جواز و مشروعیت صلح اجماع کرده اند، زیرا که عقد صلح از عقود با ارزشی است که ذریعه آن منازعات و اختلافات خاتمه و پایان می یابد، و در آن نوعی مدارا صورت میگیرد.

وکاسانی رحمه الله علیه در مورد اجماع بر مشروعیت صلح از اثر حضرت عمر (رض) (ردوا الخصوم حتى یصلحوا ، فإن فصل القضاء یورث بینهم الضغائن) چنین استدلال نموده : أمر عمر رضی الله عنه برد الخصوم إلى الصلح

مطلقاً، و كان ذلك بمحضر من الصحابة الكرام رضی الله عنهم، ولم ينكر عليه أحد فيكون إجماعاً من الصحابة فيكون حجة قاطعة.» (20: 8\13) یعنی حضرت عمر (رض) در محضر اصحاب پیامبر دستور داد، تا قضایا به اصلاح گسیل گردند، و هیچ یکی از آنها در مورد واکنش و عکس العملی انجام نداد، که این خود بیانگر اجماع صحابه بوده که دلیل قاطعی برای مشروعیت صلح شمرده میشود.

بخش دوم

اهمیت صلح در افغانستان

صلح مبرم ترین و اساسی ترین ضرورت و عالی ترین مرام هر جامعه، بخصوص جامعه ای مانند افغانستان که چندین دهه متمادی پیهم متحمل کشمکش ها و جنگهای ویرانگر و تباهن شده است، میباشد، در شرایط کنونی نیاز به صلح بعنوان یک خواست انسانی و دینی برای ثبات و استحکام دایمی افغانستان، منطقه و جهان نه تنها امر غیر قابل انکار بوده بلکه تحقق و دستیابی به آن حیاتی و واجبی میباشد. دین مبین اسلام مسلمانان را به اخوت و برادری امر نموده است. دین مقدس اسلام که پیام آور صلح به تمامی بشریت است، همواره از پیروان خود میخواهد تا خواسته های سیاسی و اجتماعی شان را در چوکات و حدود تعیین شده طوری مطرح نمایند، که نظام اجتماعی جامعه را مختل نسازد.

به تاسی از ارشادات دین مبین اسلام و خواست های انسانی مردم افغانستان، متعهد اند تا در راستای آوردن صلح پایدار به کشور خویش تلاش های خود را سرعت بخشند و از تمام کشور ها و سازمانهای بین المللی ذیدخل در قضیه افغانستان بصورت عموم و از کشور های همسایه بطور خاص تقاضا مینمایم تا در راستای عملی شدن خواست مشروع و معقول افغان ها که همانا صلح و آشتی میباشد با ما همکاری عملی نموده و مسوولیت وجدانی و ایمانی خویش را درین زمینه بطور احسن ادا نمایند.

مردم افغانستان طی چهل سال گذشته رنجها و آلام فراوانی دیده، که اسباب و دلایل این رنج ها نیز روشن است. امروز نیز هموطنان بیگناه ما به سبب خشونت های مسلحانه، موجودیت سلاح های گوناگون، مواد منفجره و استفاده از تفنگ جان های عزیزشان را از دست میدهند. پس نسبت به همگان صلح به ایشان اهمیت داشته و مستحق آن میباشد.

پس این مردم رنج دیده از تمام جوانب و جناح های درگیر به جدیت می خواهند تا با کنار گذاشتن اختلافات از تشدد و استفاده از زور و اسلحه دست بکشند و با جستجوی و بهره گیری از راههای مسالمت آمیز برای حل مشکلات کشور وارد گفتگو شوند.

ملت مسلمان افغانستان می خواهد تا برای اعاده و استحکام صلح، حمایت برادران مسلمان خود را در کشور های اسلامی با خود داشته باشند پس از همه کشور

های همسایه بالخصوص همسایه های مسلمان خود می‌خواهیم تا با در نظر داشت مشترکات دینی و فرهنگی، رول برجسته خود را در پروسه صلح افغانستان بازی نمایند. ما به این باور هستیم که اگر صلح در افغانستان باز نگردد، دامنه نا امنی‌ها به کشورهای همسایه وسعت خواهد یافت که مثال‌های این نامنی‌ها همین اکنون آشکار است.

افغانستان یک کشور اسلامی است و تمام مردم این کشور مسلمان‌اند. مردم افغانستان اعمالی را که اسلام نمی‌پسندد، تقبیح می‌نمایند. عده‌ئی تلاش دارند تا با اعمال خود پسندانه خود که هیچ ربطی بر اسلام ندارد، اسلام را در جهان من حیث دین خشونت و جنگ معرفی نمایند. در حالیکه اسلام دین صلح و اخوت می‌باشد و باید از اعمالی که باعث قتل و کشتار هموطنان مسلمان ما می‌گردد خود داری شود.

مردم افغانستان از مخالفین مسلح افغانستان و رهبری آنها مصرانه می‌خواهد تا به طرح پیشنهادی دولت افغانستان لیبیک گفته و از خشونت دست کشیده و با پروسه صلح بیوندند، و از دولت افغانستان می‌خواهند تا به خواست‌های مشروع آنها گوش فرا دهد و با به وجود آوردن پروسه سالم سیاسی بین جوانب درگیر، فضای اعتماد و باور ملی را ایجاد نماید تا افغانها حاکمیت ملی خود را، خود از راه عدم تشدد در فضای وحدت و همبستگی کامل تمثیل نموده و به این ترتیب امید چندین ساله مردم ما برای رسیدن به صلح و امن پایدار برآورده شود. و ازین

طریق جلو گسترش دامنه جنگ و نا امنی در منطقه و جهان گرفته شود و ما ذلک
علی الله بعزیز

مناقشه

صلح به مفهوم حقیقی آن عقدیست که نزاع را رفع و خصومت را باساس رضائیت
طرفین قطع می نماید، از همین رو دین مقدس اسلام در آیات و روایات زیادی
در حل منازعات و رفع خصومت ها به بهره گیری از آن ترکیز و پافشاری نموده
است، زیرا که در فرایندهای رسیدگی به دعاوی فرایندی است که از هر دیدگاه
برازندگی مادی و معنوی را در قبال دارد، واز ویژگی های کم هزینه بودن، غیر
زمان گیر، رافع نزاع، قاطع خصومت و دشمنی و نزدیک ترین را برای باز اجتماعی
شدن طرفین نزاع، برخوردار میباشد، و نسخه توصیه شده آموزه های دینی برای
حل منازعات فردی، خانواده گوی، گروهی و حتی جهانی به شمار می آید، واز
جانب خداوند جلت عظمته خیر شمرده شده است، و عملاً کلید حل قضایا در
سطوح مختلف جهان بوده است و بشریت نیاز مبرم و جدیدی به آن داشته و دارد،
پس دریک جمله می توان گفت برای تثبیت جایگاه آن از منظر اسلام عزیز همین
بسنده خواهد بود که صلح حالت اصلی جامعه، دستور الهی، دعای ابراهیمی،
سنت محمدی و نیاز مبرم طرفین منازعه میباشد و بر ماست تا در عرصه نهادینه شدن
فرهنگ صلح و آشتی از هیچ نوع تلاش و مبارزه معقول و منطقی دریغ نه ورزیم،
و برای تحقق آن همیشه سعی و کوشا باشیم.

نتیجه گیری

بدون شك هر محقق و پژوهشگر در صدد نایل شدن به نتایج مفید و ارزنده ئی از لابلای تحقیق و پژوهش خویش میباشد ، که اینک بخش های مهم و اساسی نتایج و دست آورد های این تحقیق را ذیلاً در سلک تحریر در آورده و به نگارش آن می پردازیم.

- صلح و امنیت حالت اصلی ، و نزاع و اختلاف حالت عارضی جامعه بشری میباشد.
- در صلح و سازشی به اساس آیه کریمه وَالصُّلْحُ خَيْرٌ یعنی: صلح بهتر است. خیر کثیری نهفته است.
- صلح و امنیت دستور الهی، دعای ابراهیمی، سنت محمدی و نیاز جامعه بشری است.
- مشروعیت و جایگاه رفیع صلح در قرآن کریم، سنت نبوی، آثار صحابه کرام و اجماع امت ثابت است.
- دین مقدس اسلام دارای برنامه جامع و کامل تأمین و برقراری صلح و آرامش در جامعه بشری میباشد.
- آیات و روایات بیانگر حل منازعات میان افراد، خانواده ها، گروه های متجانس و گروه های غیرمتجانس از زریق مذاکره و گفتگو میباشد.
- حل منازعات از طریق صلح و مذاکره متضمن پیامد های مثبت و مؤثر مادی و معنوی میباشد.

- در سیستم های حل و فصل منازعات امروزی و معاصر نیز صلح و آشتی تحت عنوان (عدالت ترمیمی) احراز موقعیت نموده، و دانشمندان فقه و قانون در صدد نهادینه شدن آن میباشند.
- رو آوردن به صلح و آشتی کم هزینه بوده، و باعث ضیاع وقت نگردیده نزاع را رفع و دشمنی ها را ریشه کن می سازد.
- عدم پذیرش صلح نوعی سر باز زدن از دستورات الهی و سنن نبوی محسوب میگردد.
- اصلاح بین طرفین نزاع، وظیفه و مسئولیت دینی و انسانی هر انسانی که توامندی آن را دارا باشد میباشد.
- اراده و نیت صلح جوئی مصلحین و صلح خواهی طرفین نزاع در تسریع پروسه صلح و آشتی نقش کلیدی و بسزایی دارد.
- اعمال فشار و قوت بر علیه کسانی که از صلح امتناع می ورزند، تا زمانی که به صلح بپیوندند، دستور الهی و امر مشروع میباشد.
- باید اذعان نمود که بهترین بدیل برای جنگ صلح و همدیگر پذیری است زیرا که پایان هر جنگ و نزاع صلح است.
- درین شک نیست که اگر صلح در افغانستان باز نگردد، دامنه نا امنی ها به کشورهای همسایه وسعت خواهد یافت.
- ملت مسلمان افغانستان میخواهد تا برای اعاده و استحکام صلح، حمایت برادران مسلمان خود را در کشورهای اسلامی با خود داشته باشند.

➤ صلح مبرم ترین و اساسی ترین ضرورت و عالی ترین مرام هر جامعه، بخصوص جامعه ای مانند افغانستان که چندین دهه متمادی پیهم متحمل کشمکش ها و جنگهای ویرانگر و تباهن شده است، میباشد

پیشهادات

به منظور استفاده بهینه و هرچه بیشتر از صلح و آشتی و آنهم به عنوان، دستور الهی، دعای ابراهیمی، سنت محمدی و نیاز جامعه بشری، نکات ذیل را پیشنهاد میدارم.

- علماء کرام دین، باید بادر نظر داشت وضع آشفته و نابسامان جامعه بشری به ویژه کشور های اسلامی، تبیین آیات و روایات مربوط به صلح رادر رأس برنامه های علمی و تحقیقی خویش قرار دهند.
- مرکز مطالعات و تحقیقات صلح در کشور ایجاد و پژوهش های را در مورد ابعاد مختلف صلح انجام داده و پیامد های مفید و مثبت آن را بر شمرده و در دسترس مردم قرار دهد.
- رسانه ها اعم از صوتی، تصویری و کتبی پخش و نشر فرهنگ صلح جویی و صلح خواهی را وجیه ملی خویش شمرده و برنامه های را در سطوح مختلف در مورد، روی دست گیرند.
- به منظور دست یابی به صلح در قضایای بزرگ و سطوح بالا و نهادهای شدن فرهنگ صلح و آشتی، باید به حل و فصل قضایای متنازع فیه مدنی و جزایی کوچک از طریق اصلاح و مصالحه پرداخته شود.

- مضمون تعلیمات صلح و امنیت، جزء کریکولم و نصاب تدریسی و تحصیلی معارف و تحصیلات عالی افغانستان گردیده و به عنوان مضمون اساسی توسط استادان متخصص، متعهد و باورمند به صلح و آشتی تدریس گردد.
- نهاد مستقل و با صلاحیتی جهت تأمین صلح و رفع نزاع و قطع خصومت در کشور های درگیر جنگ همچو کشور ما ایجاد و زمینه فعالیت صلح جویانه به آن مساعد گردد.
- از هر طریق ممکن جلو تبلیغات سوء و مغرضانه بر علیه پروسه های ملی صلح گرفته شود.
- در فرایند صلح هیچ یک از طرفین احساس کوچکی و بازندگی را نکنند زیرا که تحقیقات نشان دهنده آن است که درین فرایند همه برنده اند.
- و در اخیر بر همگان پیشنهاد میدارم تا بر مبنای آیه کریمه « وَالصُّلْحُ خَيْرٌ » صلح را به عنوان پدیده بهتر نگرسته و بر مبنای آیه کریمه « فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ » در تأمین و برقراری آن سبقت گرفته و بشتابند، تا باشد در پرتو مزایای مادی و معنوی آن، ابعاد مختلف مادی و معنوی زندگی مردم و جامعه دگرگونی مثبت یابد.

منابع

- (1) قرآن کریم.
- (2) اصفهانی، ابوالفاسم الحسین بن محمدالراغب. (ب ت). المفردات فی غریب القرآن؛ الطبع الثانی. تهران: دفتر نشر کتاب.
- (3) الحرالعالمی، وسائل الشیعۀ الی تحصیل مسائل الشریعۀ، دوره 20 جلدی بیروت، داراحیاء التراث العربی (ب ت).
- (4) الحصکفی، محمد علاء الدین. (۱۳۸۶ ه ق). الدر المختار شرح تنویر الأبصار فی فقه مذهب الامام أبی حنیفۀ، بیروت.
- (5) الشریف، الرضی. (۱۳۹۵ه ق). نهج البلاغۀ، تحقیق صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت.
- (6) الصدوق 1410 ه ق). من لایحضره الفقیه، دوره 4 جلدی، تهران: دارالکتب الاسلامیۀ،
- (7) الطبرسی. (1415 ه ق). جمع البیان فی تفسیر القرآن، دوره 10 جلدی، بیروت، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،
- (8) : بخاری ، محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغیره ، أبو عبد الله. (1407). الجامع الصحیح، دوره 9 جلدی، دار الشعب القاهرة.
- (9) بیهقی، أبو بکر أحمد بن الحسين بن علی. (1344 ه). السنن الکبری و فی ذیلہ الجوهر النقی، الطبعۀ : الأولى.

- (10) ترمذی ، محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ السلمی، الجامع الصحیح سنن الترمذی، دوره 5جلدی، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
- (11) زَبَّيْدِيّ، أبو بكر بن علی بن محمد الحدادی العبادی الیمنی. (ب ت). الجوهره النیره .
- (12) زحیلی، دكتور وهبه. (1418هـ ق). التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج، دوره 30جلدی ، دارالفکر المعاصر، دمشق.
- (13) سجستانی، أبو داود سلیمان بن الأشعث ، سنن أبی داود ، دوره 4جلدی، دار الكتاب العربی - بیروت.
- (14) سیاح، احمد. (1398هـ. ق). فرهنگ بزرگ جامع نوین؛ چ 9، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلام،
- (15) سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، جلال الدین ، ا لدر المنثور فی التفسیر بالمأثور ، دوره 8جلدی، دارالفکر، بیروت.
- (16) رازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحق الكلینی الرازی. (1365). الاصول من الکافی، تهران، دارالمتب الاسلامیة.
- (17) صنعانی ، أبو بكر عبد الرزاق بن همام ، مصنف عبد الرزاق. (1398هـ ق). المکتب الاسلامی، بیروت، الطبعة الثانية.
- (18) طباطبایی، سید محمد حسین. (ب ت). المیزان فی تفسیر القرآن، قم المقدسه، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة.

- (19) عثمانی، علامه مفتی محمد شفیع دیوبندی. (۱۳۸۵). تفسیر معارف القرآن، تهران: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
- (20) کاسانی، أبو بکر بن مسعود بن أحمد علاء الدین. (ب ت). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع.
- (21) کَسْبِيٌّ، عَبْدُ بِنِ حُمَيْدِ بْنِ نَصْرِ، أَبُو مُحَمَّدٍ، المنتخب من مسند عبد بن حميد. (ب ت).
- (22) محمدی ری شهری. (1416 هـ ق). میزان الحکمه، دوره 4 جلدی، دارالحدیث، قم.
- (23) معلوف، لويس. (۱۹۸۳). المنجد فی اللغة؛ الطبعة السادسة و العشرون، بیروت: دارالمشرق.
- (24) مکارم شیرازی، باهمکاری جمعی از نویسندگان. (۱۳۶۱). تفسیر نمونه، دوره 27 جلدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- (25) مناع القطان. (1421 هـ - 2000 م). مباحث فی علوم القرآن، مکتبه المعارف للنشر والتوزیع، الطبعة الثالثة.
- (26) نووی أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف. (ب ت). الأربعین النوویة.

صلح در پرتو قرآن و سنت

پوهنیار محمد نسیم حیدری

دانشکده شرعیات، دانشگاه البیرونی

چکیده

صلح از جمله موهبت های الهی بزرگترین موهبتی است، و از جمله نعمت های الهی بزرگترین نعمت است، ارزش والایش را قرآن به بشریت اعلان میدارد که این نعمت و موهبت الهی بوده که فقط به فضل الهی میسر می شود همان طوری که الله متعال مهربانی کرده مفهوم اش چنین می شود (خدا بود که عربها را با وجود دشمنی شدیدشان در پرتو اسلام دگرگون کرد) و در میان آنان الفت ایجاد نمود (و دلهای پر از کینه آنان را به هم نزدیک و مهربان کرد ، به گونه ای که) اگر همه آنچه در زمین است صرف می کردی نمی توانستی میان دلهایشان انس و الفت برقرار سازی . ولی خداوند (با هدایت آنان به ایمان و دوستی و برادری) میانشان انس و الفت انداخت ، چرا که او عزیز و حکیم است و بر هر کاری توانا است ، و کارش از روی فلسفه و حکمت انجام می پذیرد¹ به جهانیان از گذشته ها یاد آور می شود که دشمنی های دیرینه و غیر دیرینه فقط و فقط با

¹ اَلْفَ : انس و الفت انداخت . دلهایشان را به هم پیوند داد .

ابزاری علاج و تداوی می‌گردد که همانا کلام الهی و پیام او تعالی می‌باشد و بس. خطاب در مفهوم آیه فوق برای قبیله مشهور اوس و خزرج است اما مراد تمام امت می‌باشد تا به روز محشر زیرا اعتبار به ورود سبب نبوده که مختص به همان واقعه منحصر گردد بلکه به عموم لفظ می‌باشد. در جای دیگر ارشاد می‌فرماید:

﴿جَوَاعَتِصْمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ "و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!" در این آیه مراد از حبل الله که در آیه ای از قرآن فرموده (بحبل الله) همانا عهد و ذمه الله و مطابق تفسیر نبی علیه السلام که مرفوعاً در حدیث حارث الأوعور از علی رضی الله عنهم نقل شده این است که قرآن حبل متین الهی است و صراط مستقیم است (ریسمانی که توسط آن انسان به الله میرسد و راهی راست که انسان به الله متوسل میگردد). و همچنان امر به جماعت و نهی از تفرقه مینماید که احادیث متعددی نیز پیرامون نهی از تفرقه و امر به اجتماع و ائتلاف شده است اینگونه از تفرقه و اختلاف به شدت نکوهش شده و به عنوان ابزار خشن و قبیح که طبیعت سلیم از آن متنفر بوده و گریز از آن ناممکن بوده مگر به یمن و مرحمت الهی روی همین موضوع بوده که الله متعال به عنوان نعمت بی نظیر و موهبت بزرگ از آن یاد می‌کند.

کلید واژه ها: صلح، نعمت، موهبت، هدیه الهی، آشتی، ائتلاف، اجتماع.

مقدمه

در جریان چندین دهه اخیر جنگ‌های تحمیلی و خانمان سوز که کنترل و رهبری آن‌هم توسط دشمنان خونخوار و دیرینه اسلام از مسلمانان خصوصا از مردم متدین، مظلوم، بیچاره و آواره افغانستان قربانی‌های بی‌شمار جانی و مالی را گرفته است و متأسفانه این سلسله خرابی‌ها و ویران‌گری‌ها هنوز هم ادامه داشته است.

معلوم دار است که، این جنگ تحمیلی فقط میان برادران مسلمان به دستور و دسیسه بیگانه گان جریان دارد که هریکی از طرف‌های درگیر جانب مقابل را تکفیر نموده مباح الدم می‌شمارد و بعدا به ریختن خون همدیگر اقدام می‌نمایند در حالی که الله متعال برای خلاصی از این معضله و به مکلفیت مسلمانان در این راستا این گونه حکم می‌کند: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا ۚ فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿۹﴾ ﴿الحجرات : 9- 10﴾.

ترجمه: " هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پرداختند، در میان آنان صلح برقرار سازید. اگر یکی از آنان در حق دیگری ستم کند و تعدی ورزد (و صلح را پذیرا نشود)، با آن دسته ای که ستم می‌کند و تعدی می‌ورزد بجنگید تا زمانی که به سوی اطاعت از فرمان خدا برمی‌گردد و حکم او را پذیرا می‌شود

. هرگاه بازگشت و فرمان خدا را پذیرا شد ، در میان ایشان داد گرانه صلح برقرار سازید و (در اجرای مواد و انجام شرائط آن) عدالت بکار برید ، چرا که خدا عادلان را دوست دارد - فقط مؤمنان برادران همدیگرند ، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید ، و از خدا ترس و پروا داشته باشید ، تا به شما رحم شود^۲ ناگفته نباید گذاشت که این احکام در صورتی است که هر دو گروه جنگی از خود مسلمانان باشد .

اما در صورتی که یکی از طرفین درگیر از غیر مسلمانان باشد باز هم صلح امری پسندیده بوده و در مورد صلح با آنها مسلمانان این گونه مکلفیت دارند: ﴿وَأِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ (انفال / 61) ترجمه : "اگر آنان به صلح گرایش نشان دادند، تو نیز بدان بگرای (و در پذیرش پیشنهاد صلح تردید و دودلی مکن و شرائط منطقی و عاقلانه و عادلانه را بپذیر) و بر خدا توکل نما " . و به استناد از آیه میار که علمای دینی نیز چنین استنباط می کنند که : اگر رهبر مسلمین صلاح دید که با کفار یا با عده ای از آنان صلح نماید و در این صلح نفع مسلمین در نظر بود جائز است . چنانچه پیغمبر اکرم - صلی الله علیه

² - ﴿فَتَتَلَّوْا﴾ : ذکر فعل به صورت جمع با توجه به معنی (طَائِفَتَانِ) و ذکر ضمیر به صورت مثنی با توجه به لفظ آن است . « تَفِيءٌ » : برمی گردد . بازگشت می کند . « أَقْبَطُوا » : دادگري کنید . مراد دادگري در پیاده کردن شرائط و مواد صلح در همه احوال و اعمال است .

وسلم - در حدیبیه^۳ با کفار مکه صلح نمودند که آخر آن صلح به نفع مسلمین واقع شد^۴.

همان طوریکه قبلا یاد آور شدیم کشورهای اسلامی و مسلمانان دنیا خصوصا مردم متدین و مظلوم افغانستان بد بختانه در آتش جنگ می سوزد و معلوم و ظاهر است که قربانیان این جنگ صرفا افغانها اند و مردم افغانستان از این وضعیت به سطوح آمده زیرا معلوم دار است که در جنگ ها هیچ نوع احترام به ارزش های دینی معیار های ملی و اماکن مقدسه نمی شود و قربانی این جنگ ها، اطفال ، زنان ، و محاسن سفیدان بوده مادران را بی فرزند و فرزندان را یتیم می گرداند و علاوه از آن مردم متدین ما را مجبور به ترک دیار و شهر شان می سازد آنهم به کشور های بیگانه ، این جنگ ها زمینه را به دست اندازی بیگانه ها مساعد ساخته و همواره آرامش را از مردم ما گرفته مردم عزیز ما زنده گی ناگوار و دشواری را به سر میبرند . الهی تو آن کن که انجام کار  تو خوشنود باشی و ما رستگار  الهی نه آنکن که پایان کار  تو ناراض باشی و ما شرمسار

مسأله تحقیق: صلح که ریشه عربی داشته و به معنای 1. "آشتی کردن. 2 آشتی ، دوستی . 3 عقدی که دو طرف در مورد بخشیدن چیزی یا گذشتن از حقی در مقابل هم تعهد می کنند. نامه قرار دادی که بین دو طرف جنگ یا دعوا

³ (محلی است نزدیک مکه)

4 - (7 : 258).

نوشته یا شرایط تحت جنگ در آن قید می شود (5: ج 1 ص 228). از آنجا ئیکه صلح حالت اصلی و فطری دین اسلام میباشد که همواره تمام بشریت را خصوصا پیروان خود را به امن و صلح و اصلاح ذات البین دعوت می نماید روی هم رفته بشریت به امن و صلح نیاز جدی و مبرم در همه عرصه های زنده گی داشته است

از آنجائی که صلح محور اصلی زنده گی بوده که بدون آن زنده گی نمودن دشوار و حتی ناممکن است و این نیاز مندی از آن از جای استنباط و بر ملا میگردد که الله متعال کوچک ترین نهاد جامعه انسانی را که عبارت از خانواده می باشد ضرورت مبرم شمرده و میکانیزم عجیب را برای اصلاح و بهبودی شان توصیه نموده است .

حتی اگر مرد و زن درآوردن صلح میان شان متفق نگردند و در بین آنها خوف ایجاد نفاق و شقاق پیدا شود باز الله متعال به تعیین حکم از هر دو فامیل (زن و شوهر) فیصله می کند .

بناء از آیات فوق واضح می شود منازعه به حدی مهم بوده که الله برای ازبین بردن و درمان آن موضوع اگرچه کوچک و خورد باشد راه و روش عجیبی را برای حل آن پیش بینی نموده است .

اهداف تحقیق

- ۱- دریافت کمبودی ها و تکمیل کردن آن در پرتو شریعت اسلام
- ۲- بیان اهمیت و جایگاه صلح در شریعت اسلام
- ۳- بیان اهمیت صلح برای کشوری چون افغانستان
- ۴- تشویق و ترغیب جوانان و نوجوانان به صلح در جامعه

سوالهای تحقیق

- 1- نبودن صلح در جامعه چه کاستی ها محسوس می شود؟
- 2- در صورت موجودیت صلح در جامعه چه نوع مشکلات مردم حل خواهد شد؟

روش تحقیق: از اینکه نوشته ها و تحریر موضوعات به روش های مختلفی صورت می گیرد در رابطه به تحریر این مقاله می توان گفت که مقاله مذکور به روش کتاب خانه ای می باشد.

پیشینه تحقیق

صلح در پرتو قرآن

این که در مورد پیشینه تاریخی صلح می‌توان گفت که کتاب مقدس (قرآن کریم) یک و نیم دهه پیش این موضوع را بیان نموده که این پدیده خیر همواره خیر آفرین بوده و تا ریخچه آن بر می‌گردد به مبنای فرموده الهی که برای بشریت بیان داشته است والصلح خیر: همانا صلح بهتراست و بر عکس آن در صورت نبود صلح و موجودیت دشمنی دیرینه ای که در میان عربها که در حدود تقریباً (120ساله) بین قبایل عوث و خزرج وجود داشت و صلح میان شان بعد از آمدن اسلام نمونه بارز و نتیجه روشن و پیامدی از پیامدهای خوب صلح می‌باشد که در پرتو آیات قرآن علماء توضیحات بیشتری با نوشتن مقالات، کتب، مجلات، هفته نامه و روز نامه‌ها تحریراتی داشته‌اند.

اما خود قرآن گاهی امر به ایجاد صلح می‌نماید چون: (فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (سوره انفال: آیه 1) ترجمه: "پس از خدا بترسید و (اختلاف را کنار بگذارید و) در میان خود صلح و صفا به راه اندازید، و اگر مسلمانید از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید" (2: 1/1).

از یک سو صلح نعمت و هدیه الهی است الله متعال به صراحت تام و الفاظ واضح یاد آور می شود که از نعمت های الهی که به شما از زانی نموده یاد آور شوید و به یاد دارید که دشمنان سرسخت و دیرینه ای یک دیگر بودند که آنرا به دوستی و محبت با یکدیگر مبدل نمود. همان طوریکه میفرماید: { **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ - وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ** } (آل عمران : 103 و 105) ترجمه : و همگی به رشته (ناگسستی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدان گاه که (برای همدیگر) دشمنانی بودید و خدا میان دلهایتان (انس و الفت برقرار و آنها را به هم) پیوند داد ، پس (در پرتو نعمت او برای هم) برادرانی شدید ، و (هم چنین شما با بت پرستی و شرکی که داشتید) بر لبه گودالی از آتش (دوزخ) بودید (و هر آن با فرا رسیدن مرگتان بیم فرو افتادنتان در آن می رفت) ولی شما را از آن رهانید (و به ساحل ایمان رسانید) ، خداوند این چنین برایتان آیات خود را آشکار می سازد ، شاید که هدایت شوید^۵.

^۵ - « حَبْلٌ » : ریسمان . رشته . « حَبْلِ اللَّهِ » : مراد قرآن است . « إِخْوَانٌ » : جمع آخ ، برادران . « شَفَا » : لبه . « أَنْقَذَكُمْ » : شما را نجات داد .

سستنبیه: خطاب در آیات فوق برای قبیله مشهور اوس و خزرج است اما مراد تمام امت میباشد تا به روز محشر زیرا اعتبار به ورود سبب نبوده بلکه به عموم لفظ میباشد.

صلح در پرتو سنت

در دستاورد پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز از تفرقه و اختلاف به شدت نکوهش شده و به عنوان ابزار خشن و قبیح که طبیعت سلیم از آن متنفر بوده معرفی شده.

اما معالجه آن نیز در سنت نبوی بیان شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در دساتیر خویش امر به جماعت و نهی از تفرقه می‌نماید و احادیث متعددی نیز پیرامون نهی از تفرقه و امر به اجتماع و اتتلاف شده است چنانچه در صحیح مسلم از ابی هریره روایت است که رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - میفرماید: "إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لَكُمْ ثَلَاثًا، وَيَسْخَطُ لَكُمْ ثَلَاثًا، يَرْضَى لَكُمْ: أَنْ تَعْبُدُوهُ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَأَنْ تَتَّصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفْرُقُوا، وَأَنْ تُنَاصِحُوا مَنْ وَّلَاهُ اللَّهُ أَمْرَكُمْ؛ وَيَسْخَطُ لَكُمْ ثَلَاثًا: قِيلَ وَقَالَ، وَكَثْرَةُ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةُ الْأَمْالِ" (6: 1715). " خداوند متعال بوسيله سه چیز از شما راضی و بوسيله سه چیز از شما خشمگین می‌شود، از شما راضی می‌شود که او را عبادت کنید و هیچ چیز را شریک او نگردانید و این که به ریسمان الهی چنگ زیند و متفرق نشوید و برای کسی که سرپرستی شما را به عهده دارد خیر خواه باشید و به سبب

جدال و گفتگوهای بی فایده و سؤالهای بی مورد و بسیار و ضایع نمودن مال بر شما خشمگین می شود .

هم چنان از سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ - رضی الله عنه روایت است که میفرماید : (**أَنَّ أَهْلَ قُبَاءٍ افْتَتَلُوا حَتَّى تَرَامُوا بِالْحِجَارَةِ، فَأَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِذَلِكَ، فَقَالَ: «أَذْهَبُوا بِنَا نُصَلِّحْ بَيْنَهُمْ»** . ترجمه: سهل بن سعد - رضی الله عنه - می گوید: ساکنان قبا باهم درگیر شدند طوری که به سوی یکدیگر، سنگ پرتاب کردند. هنگامی که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مطلع گردید، فرمود: «برویم تا میان آنان، صلح و آشتی برقرار نماییم» (4: 959). و همچنان از ابی الدرداء، روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: " **أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةُ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ " قالوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قال: "إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ الْحَالِقَةُ" (3: 280/7) ٦** . " رسول الله صلی الله علیه وسلم می - فرماید آیا از چنین چیزی شمارا آگاه نسازم که درجه آن بالاتر از روزه، نماز، و

6 - "إصلاح ذات البين"، قال صاحب "عون المعبود": أي: أحوال بينكم يعني ما بينكم من الأحوال ألفة ومحبة، كقوله تعالى: {وَاللَّهُ عَلَيْكُمْ بِذَاتِ الصُّدُورِ} [آل عمران: 154] وهي مضمراتها. وقيل: المراد بذات البين المخاصمة والمهاجرة بين اثنين بحيث يحصل بينهما بين، أي: فرقة، والبين من الأضداد الوصل والفرق. وفساد ذات البين الحالقة" أي: هي الخصلة التي من شأنها أن تخلق الدين وتستأصله كما يستأصل الموسى الشعر. وفي الحديث: حث وترغيب في إصلاح ذات البين واجتناب عن الإفساد فيها، لأن الإصلاح سبب للاعتصام بحبل الله وعدم التفرق بين المسلمين، وفساد ذات البين ثلثة في الدين، فمن تعاطى إصلاحها ورفع فسادها، نال درجة فوق ما يناله الصائم القائم المشتغل بخويصة نفسه.

صدقه است؟ گفتند چرانه یارسول الله، گفت: اصلاح ذات البین، زیرا فساد ذات البین که برنده است "

و از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نقل شده که به ابو ایوب فرمود: «يَا أَبَا أَيُّوبَ أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى صَدَقَةٍ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟ تُصَلِّحُ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَبَاغَضُوا، وَتَفْسَدُوا» (3: 128/4). : خواهی که ترا راه نمایم بصدقه که ترا به است از چهارپایان چرنده نیکو؟ یعنی: و الله اعلم، که ترا به است از آنکه چهارپایان نیکوداری، و بصدقه دهی. آن گه گفت: هنگامی که مردم با یکدیگر دشمن شوند آنها را اصلاح ده و زمانی که از هم دور گردند آنها را به هم نزدیک کن."

نتیجه گیری

صلح محور اصلی زنده گی بوده که بدون آن زنده گی نمودن دشوار و حتی در جامعه بدون صلح ناممکن بوده از این رو به صلح و آشتی جامعه نیازمندی بارز و جدی دارد .

بهبودی جامعه به آمدن صلح و دوستی وابسته است صلح یگانه راهی است که الله متعال بعد از امر به توحید و تقدیسش پیروان خویش را به صلح و آشتی دعوت نموده است.

این موضوع از آن جای استنباط و بر ملا می‌گردد که الله متعال برای کوچک-ترین نهاد جامعه انسانی که عبارت از خانواده می‌باشد صلح را ضرورت مبرم شمرده و میکانیزم عجیب را برای اصلاح و بهبودی شان طراحی می‌کند که آیات متبرکه سوره بقره را در تحت عنوان اهداف بیان نمودیم .

منابع

قرآن کریم

1: بخاری ، محمد ابن اسماعیل (ب ت) صحیح البخاری موقع الإسلام

<http://www.al-islam.com>

2: خرمدل ، مصطفی (<http://www.al-islam.com>) تفسیر نور

3: طبرانی سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، المعجم الكبير دار

النشر: مكتبة ابن تيمية القاهرة الطبعة: الثانية عدد الأجزاء: 25

4: [http://www.al-](http://www.al-mokhtasar-sahih-bukhari-farsi-islam.com) - mokhtasar-sahih-bukhari-farsi

islam.com

5: معین (ب ت) : فرهنگ معین

6: نیشاپوری ، مسلم بن الحجاج . (المتوفى: 261هـ) (ب ت) . صحیح مسلم

<http://www.al-islam.com> مشکول ومرقم آلیا غیر موافق للمطبوع وهو

متن مرتبط بشرحه

7: منتشره از سوی حوزه علمیه احناف خوفا (ب ت) خلاصه المسائل در فقه

حنفی.